



سال ۹۹ پایان بازی در اشرف ۳

کیش و مات در آلبانی

کرونا کلیدواژه جنگ
رسانه ای فرقه رجوی

به مناسبت سالگرد تأسیس تشکل
«مادران، قربانیان فراموش شده»
مادران اسپران فرقه
رجوی، قربانیانی که
فراموش شدند

مسخره بازاری به نام «رادیو مجاهد»
پیام به آب حوض خالی
کن: بیکاری همه جا
هست اینقدر دل دل
نکن

مدیر عامل انجمن نجات ایران خطاب
به وجدان های بیدار بشری:
**کسی هست برای التیام
دردهای مادران
و پدران سالخورده
حرفی
داشته باشد؟**





انجمن نجات

استان اردبیل



پست الکترونیکی:

feraghnews@gmail.com

وب سایت: www.feraghnews.ir



تلگرام: @feraghnews



سروش: @feraghnews



اینستاگرام: Feraghonline



فیس بوک:

facebook.com/feraghnews



توییتر:

twitter.com/feraghnews



آپارات:

aparat.com/nejatngo

فهرست

- ضرورت اتحاد و همبستگی در مبارزه رسانه ای با فرقه رجوی ۲
- شورش در کمپ فرقه رجوی در آلبانی ۴
- گزارش خبرنگار «تیویورک تایمز» که پس از درخواست های متعدد توانست از اردوگاه فرقه رجوی بازدید کند: رسوایی جدید برای فرقه سرکوبگر رجوی ۶
- خانواده از دید فرقه رجوی یک بُمب اتم است ۹
- دموکراسی به شیوه خائن ۱۱
- مروری بر کارنامه سیاه فرقه سرکوبگر رجوی پس از اخراج به آلبانی:
بیدار باش از ۵ صبح برای خیانت به ملت ایران ۱۵
- به مناسبت سالگرد تأسیس تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده»:
مادران اسیران فرقه رجوی، قربانیانی که فراموش شدند ۲۰
- انقلاب ایدئولوژیک، مضمّن کننده ترین تحول در درون فرقه رجوی ۲۱
- گزارشی از همایش تشکل مادران قربانیان فراموش شده در خرم آباد: تأکید بر تلاش خانواده های اسیران فرقه رجوی برای رهایی فرزندان خود ۲۶
- خانواده های اعضای گرفتار هرگونه معامله بر سر جدا شده های آلبانی را محکوم می کنند ۲۹

ضرورت اتحاد و همبستگی در مبارزه رسانه ای با فرقه رجوی

محمدجواد نوع پرور
انجمن نجات استان اردبیل



هم نیاز دارد که باید با دقت کامل اجازه سوءاستفاده به دشمنان را ندهد و دانش و ابزارهای رسانه ای خود را تقویت کنیم. فعالیت در این جبهه فرد مردد نمی خواهد، همان گونه که یک لحظه تردید و سکون در یک جنگ فیزیکی می تواند موجب ضررهای جبران ناپذیر شود، از یاد نبریم که لحظه ای غفلت نیز در این حوزه می تواند ما را از اهداف خود دور نموده و تمام تلاش های چندین ساله را از بین ببرد.

از جمله راهکارهای جریان رسانه ای در راه مبارزه با فرقه رجوی این است که اخبار و مطالب تولید شده در راستای افشاگری از فرقه باشند. رسانه های فعال در حوزه نفاق باید با همبستگی و اتحاد بیشتر جریان سازی خبری نموده و فرقه رجوی را رسوا سازند.

واقعیت این است فرقه تروریستی رجوی هم اکنون سرمایه‌گذاری های مالی گسترده ای در حوزه رسانه کرده و صاحب انواع بنگاه های لجن پرآکنی علیه ملت ایران است.

سران فرقه دجال رجوی با کارنامه ای پر از جنایت با پروپاگاندای رسانه ای و نشان دادن تصاویر غیرواقعی سعی دارند همسو با دشمنان قسم خورده ملت ایران، اهداف خود را پیش ببرند و این موضوع نیاز به تلاش و اتحاد بیش از پیش ما دارد.

صدها نفر در عراق و آلبانی، ثمره ای شیرین از این تلاش ها بود که به یادگار مانده است. اما بعد دوم و دیگری، نبرد تمامیت جبهه حق با باطل و جریان نفاق است که نباید از آن غافل شد.

افشاگری هایی که توسط جداشده های این فرقه انجام می گیرد و از طریق رسانه های فعال در این حوزه منتشر می شود، موجب وحشت فرقه رجوی شده است.

جداشده های فرقه رجوی باید در برابر این موضوع، احساس مسؤولیت صد چندان نموده تا خدای ناکرده افرادی دیگر از این مرز و بوم، فریب این فرقه شیاد را نخورده و همدست این شیاطین زمان نشوند.

خوشبختانه در این بُعد مرز میان حق و باطل به روشنی مشخص است اما امکانات و ابزارهایی که در این جنگ استفاده می شود کاملاً نابرابر است. فرقه دجال رجوی با استفاده از امکانات گسترده فنی و ابزارهایی مانند دروغ، شایعه و اعتراف اجباری از هر حیله ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کند.

درست است که امکانات آنها با ما قابل مقایسه نیست اما ما خانواده ها با یاری جستن از پروردگار متعال، عزم خود را در این مبارزه راسخ کرده ایم.

فعالیت در این جبهه به مراقبت های زیادی

فراق: رسانه، یکی از مهمترین ابزارهای جنگ تمام عیار فرقه رجوی علیه ملت و کشور ایران است. مصادیق این سخن وجود ده ها سایت زنجیره ای و انواع صفحات در شبکه های اجتماعی است که از اتاق فکر این فرقه در آلبانی و فرانسه تغذیه می شوند.

امروز ما به عنوان خانواده های اعضای گرفتار در فرقه رجوی، در جبهه و خاکریز این جنگ قرار داریم که اگر با شناخت و درک کامل حرکت نکنیم ممکن است دچار خطا شویم.

فعالیت ما در این جبهه دارای ابعاد گوناگونی است که هر یک دارای ارکان و ضرورت های قابل توجه می باشد. در بُعد اول آن، خود خانواده های اعضای گرفتار در فرقه رجوی هستند.

خانواده ها با تلاش های خود در عراق ثابت کردند که با معجزه عشق، می توان وجدان خاموش و روح پژمرده اعضای که ناخواسته در فرقه مانده اند را بیدار نمود.

خانواده ها باید از فعالیت رسانه ای خسته نشده و امیدوار پای کار باشند. هیچ موجی به اندازه صدای خانواده، تار و پود فرقه درمانده رجوی را به لرزه نمی اندازد. جدایی بیش از

درخواست خانواده های عضو انجمن نجات استان اردبیل از مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا

برقراری ارتباط خانواده ها با عزیزان خود به هر روش ممکن فراهم گردد



جمعی از خانواده های اعضای گرفتار در فرقه رجوی از استان اردبیل به مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نامه رسمی نوشتند.

به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، متن این نامه که یک نسخه از آن در اختیار فراق قرار گرفت، به شرح زیر است:

جناب آقای جوزپ بورول
مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا
با تقدیم احترام، اینجانبان _جمعی از خانواده های اعضای گرفتار در سازمان مجاهدین خلق از استان اردبیل_ لازم دانستیم نکاتی را به استحضار آن مقام برسانیم.

با قلوبی آکنده از امید و اندوه و چشمانی منتظر سالهاست در حسرت بازگشت عزیزان خود روزگار می گذرانیم. چنانکه مستحضر هستید سازمان مجاهدین خلق با تاریخچه ای مالمال از ترور و خشونت، مدتها در عراق حضور داشته و در سال های اخیر به تدریج و در نتیجه توافقات چندجانبه به کشور آلبانی منتقل گردیده است. در طول سال های حضور در عراق به دستور رهبران سازمان و ترساندن اعضا از برقراری هرگونه ارتباطی، خانواده ها از امکان دیدار عزیزان خود محروم بودند و پس از انتقال آنان به خاک آلبانی برقراری تماس با اعضا به مراتب دشوارتر گردیده است. این مساله نگرانیها و دغدغه های خانواده ها را دوچندان کرده است.

جناب آقای بورول

از حضرتعالی تقاضا داریم نسبت به خواسته های نویسندگان این نامه توجهات لازم را مبذول فرمایید.

_ اعضای حاضر در کمپ سازمان مجاهدین خلق عموماً در بند یک فرقه سیاسی با پیشینه ای تروریستی گرفتار آمده که از طریق مغزشویی و کنترل روحی و ذهنی افراد و استفاده از حربه های غیرانسانی و ناقض

برانگیخته است.

_ نظر به آنچه گفته شد از مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا تقاضا داریم باتوجه به بروز نگرانیهای جدی در خصوص وضعیت اعضا و سلامت روحی و جسمی ایشان، حتی الامکان زمینه های برقراری ارتباط خانواده ها با عزیزان خود _به هر روش ممکن_ با هماهنگی و نظارت نهادهای اتحادیه اروپا یا مجموعه ملل متحد فراهم گردد.

بی صبرانه در انتظار پاسخ نامه هستیم.

رونوشت:

- صلیب سرخ جهانی
- دفتر نمایندگی اتحادیه اروپا در جمهوری آلبانی
- لوجی سورکا، رئیس هیأت نمایندگی اتحادیه اروپا در آلبانی
- الیزابت تیچی فیسلبرگر، رئیس شورای حقوق بشر ملل متحد
- نمایندگی پارلمان اروپا در تثبیت روابط اتحادیه اروپا و آلبانی

حقوق بشر عنان زندگی آنان را در اختیار گرفته و امکان هرگونه تصمیم گیری آزادانه و ارادی را از ایشان سلب نموده اند. لذا اعضا در شرایط محرومیت از حداقل حقوق و آزادی های بشری بنیادین چاره را فقط در تبعیت محض از تصمیمات رهبران خود می دانند.

_ متأسفانه در یک فرآیند مبهم و سوال برانگیز اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹ این.

سازمان را از لیست گروه های تروریستی خارجی حذف نمود. حال آنکه شواهد و مدارک متعدد در رد این اقدام و اثبات تداوم توسل به خشونت توسط سازمان وجود داشته است.

_ متأسفانه در سالهای اخیر دولت آلبانی (به عنوان میزبان جدید سازمان) ضمن تغییر مواضع آشکار در سیاست خارجی خود، همکاری غیرمعمول و ابهام برانگیزی را با رهبران سازمان به ویژه در سرکوب اعضای جدایی طلب یا مخالف رویه سازمان و سرپوش نهادن بر جنایات سازمان آغاز نموده است به گونه ای اعتراضات وجدان های بیدار و افراد و نهادهای مستقل و مدافعان حقوق بشر را

مریم رجوی هم کرونایی شد

شورش در کمپ فرقه رجوی در آلبانی

به دنبال انتشار خبر ورود ویروس کرونا به کمپ منافقین و مبتلا شدن تعداد زیادی از سالمندان این کمپ، خبرهایی مبنی بر وقوع شورش و ناآرامی در این کمپ به گوش می‌رسد



ای در این کمپ به دنبال داشته که فعلاً از تلفات و خسارت‌های آن اطلاع دقیقی در دست نیست.

سازمان که درموردی منجر به انتقام‌گیری شخصی میان اعضا شده، همراه با خفقان و عدم رسیدگی مناسب به مبتلایان، شورش گسترده

به گفته برخی از منابع خبری، پس از ابتلای مریم رجوی سرکرده فرقه جنایتکار منافقین به کرونا، هم اکنون فرماندهی واحد در این اردوگاه وجود ندارد. به گزارش فراق به نقل از خبرگزاری صدا و سیما، حساب کاربری سید فرهان (سننتم) در توئیتر از شورش و ناآرامی در کمپ فرقه رجوی واقع در آلبانی پس از شیوع کرونا در این کمپ خبر داد و نوشت: به دنبال انتشار خبر ورود ویروس کرونا به کمپ منافقین و مبتلا شدن تعداد زیادی از سالمندان این کمپ، خبرهایی مبنی بر وقوع شورش و ناآرامی در این کمپ به گوش می‌رسد. وی در توئیتر دیگری نوشت پس از ابتلای مریم رجوی سرکرده این گروه جنایتکار به ویروس کرونا، هم‌اکنون فرماندهی واحد در این اردوگاه وجود نداشته و رفتار سلیقه‌ای رده‌های مختلف

یکی از اعضای حاضر در مقر «اشرف ۳» در گفت و گو با فراق خبر داد

تردد مشکوک کادرهای فرقه رجوی به ایتالیا

دستورالعمل‌های جدید فرقه برای اعضای حاضر در «اشرف ۳»

وصل کردن برق نیز باید دو نفری به اطاق بروند.

این عضو با اشاره به اینکه طبق این دستور حتی نباید اعضا در صورت بیماری به کلینیک‌های داخل شهر مراجعه کنند افزود: هم‌اکنون اعضای که مشکوک به بیماری سرماخوردگی هم هستند اجازه مراجعه به پزشک داخل شهر را ندارند. عضو حاضر در مقر اشرف ۳ در پایان گفت: تمام موارد گفته شده بر علیه اعضای حاضر در حالی است که کادرهای رهبری از این قاعده مستثنی بوده و دائم در حال خوشگذرانی در کشورهای اروپایی هستند.

این کشور به آلبانی است. او افزود: فرقه همچنین اخیراً برای جلوگیری از تردد اعضا دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده و بر اساس تصمیم کادر رهبری اعضا باید در اطاق‌های خود به صورت گروهی و تیمی کار کنند تا روش‌های جاسوسی فرقه به شکل دلخواه انجام گیرد. وی در تشریح جزئیات این دستورالعمل گفت: بنا بر دستور خود مریم رجوی که خودش هم گفته معلوم نیست تا چه اندازه قابل اجرا باشد، تمام اعضا باید هنگام کار با اینترنت در تیم‌های دو نفری و چهار نفری باشند و حتی برای قطع و

یکی از اعضای حاضر در مقر «اشرف ۳» گفت: مدتی است که تردد مشکوک کادرهای فرقه رجوی به کشور ایتالیا زیاد شده است. وی که نخواست نامش فاش شود، ظهر امروز در گفت و گو با فراق اظهار داشت: فرقه رجوی در حال حاضر بسیاری از امور جاری خود را از طریق واسطه‌گری کشور ایتالیا انجام می‌دهد و نمی‌خواهد کسی از این رابطه خبردار شود. وی در ادامه تصریح کرد: ترس و نگرانی فرقه رجوی از انتشار این خبر به این جهت می‌باشد که جامعه آلبانی با توجه به شیوع بیماری کرونا در ایتالیا، به شدت نگران انتقال آلودگی از

سال ۹۹ پایان بازی در اشرف ۳ کیش و مات در آلبانی

سال است که مریم زبانش بیرون آمده برای رفتن به آمریکا چرا راهش نمی دهند؟ تازه این که کاری ندارد هر کسی می تواند ویزا بگیرد برود اما چرا این نمی تواند برود؟ چون امثال جولیانای فقط پول می گیرند بیایند حرف بزنند این که خرجی ندارد. آنها در این همه سالها حتی نتوانستند مریم رجوی را برای یک مسافرت عادی هم به آمریکا ببرند تا چه رسد به اینکه او را محبوب دل ترامپ کرده و یا موهوم تر اینکه او را به قدرت برسانند.

اگر هم دلتان را به ترامپ خوش کرده اید که فردا آمریکا به جمهوری اسلامی حمله می کند و مریم را به تخته شاهی می رساند باز هم می گویم سخت در اشتباهید و اگر پشت گوشتان را ببینید این یکی را به خواب هم نخواهید دید.

چرا اولاً آمریکا در هیچ شرایطی به ایران حمله نمی کند و در ثانی اگر حمله کند مگر مردم ایران مریم رجوی و یا شماها را راه می دهند؟ مگر اصلاً مردم ایران شماها را می شناسند؟

بهترین مثال این است که در همین خارج کشور بیش از پنج میلیون ایرانی زندگی می کنند، از این تعداد چند نفر هوادار فرقه رجوی هستند؟ به آسمان هفتم هم بروید به صد نفر نمی رسند.

شما تظاهرات خارج کشور فرقه رجوی را نگاه کنید، همه نفرات خارجی هستند که آنها را برای هر تظاهراتی اجیر کرده و از این کشور به آن کشور می چرخانند، اینها را که دیگر شماها از من بهتر می دانید پس چرا اجازه می دهید که مریم و باند فرقه ای اش به ناجوانمردانه ترین شکل ممکن از شماها سوء استفاده کند؟

خرج می کند.

این قبیل مرگ و میرهای فزاینده اسیران گرفتار در اسارتگاه آلبانی سرنوشت تک به تک آنها در این شرایط انواع فشارهای روحی و جسمی می باشد لذا اگر همین الان از فرقه رجوی خارج نشوند فردا به همان سرنوشتی دچار خواهند شد که چند وقت پیش اکبر، محراب و اسماعیل دچار آن شدند.

خلاصه این آخر و عاقبت اسیران سالمند در آلبانی است که اگر خواهان زنده ماندن و زندگی هستند باید در این چند صبحی که برای زندگی دارند از آنجا خارج شوند.

لذا من خطاب به این اسیران می گویم که شماها به خوبی می دانید این فرقه وامانده علیل و ذلیل دیگر دستش به جایی نمی رسد و امروزه که می بینید تبدیل به یک بیزناس اطلاعاتی برای کشورهای عرب منطقه شده است البته این برای مریم و سران این فرقه خوب است که پولش را می گیرند و از بهترین امکانات برخوردارند و زندگی خودشان را دارند اما درماندگان اسیر و سالخورده در آلبانی چی چیزی را دارا می باشند؟

آخر شماها که در این سنین بالا در آنجا مانده اید به چه چیزی دلتان را خوش کرده اید؟ به شوهایی که در آلبانی به نام کنفرانس بین المللی برگزار کردید که کسانی همچون جولیانای و غیره می آیند و صحبت می کنند و به شما دلداری می دهند؟

در این صورت سخت در اشتباه هستید. اینها که می بینید همه با پول خریداری شده اند و این را شماها بهتر از من می دانید و اگر از اینها همانند جولیانای و یا بولتون که قبلاً آنجا می آمد کاری ساخته بود ساده ترین کار را برای این فرقه انجام می دادند. مثلاً الان چندین

مدتی است که سایت های فرقه رجوی از درگذشت سرپالی اعضای رده پایین فرقه اخباری منتشر می کنند و به نظر می رسد که در سال ۱۳۹۹ بازی آن ها در صفحه آلبانی با یک کیش و مات به پایان خواهد رسید

به گزارش فراق، غفو فتاحیان، عضو جدانشده از فرقه رجوی با انتشار یادداشتی در این باره نوشت: سوال اساسی اینجاست که چرا در فرقه رجوی همیشه عناصر رده پایین و مخالف در انواع و اقسام بیمارستان های آلبانی یا کشورهای دیگر می میرند در حالی که سن هر کدام از این مردگان چند دهه کمتر از مسئولین بالای این فرقه جنایت کار است. مثلاً چرا مهدی ابریشمچی و یا عباس داوری (رحمان) و یا دهها جنایتکار و آدم کش حرفه ای که سن هایشان بین ۷۰ و ۸۰ می باشد به این نوع بیماری ها دچار نشده و نمی میرند؟

آیا مریم رجوی به اندازه سر سوزنی به این فکر کرده است که چرا اینطوری است؟ اصلاً خودش مریض هم نمی شود در حالی که سنش از ۶۰ گذشته است.

البته بگذریم که یکی از آرزوهای همین خانم این است که هر چه زودتر تک به تک افراد مستقر در خانه سالمندان اشرف سه در آلبانی بمیرند تا خیالش از همه بابت راحت شود و دیگر کسی بیرون نیاید تا علیه او افشاگری کند و برای مریم و فرقه اش بهترین سناریو این است که همه اینها در یک روز بمیرند و این هم از مرگ آنها استفاده سیاسی خودش را بکنند وگرنه این فرقه هیچ گاه و در هیچ زمانی حاضر نبود که از جیب خودش خرج کند و همیشه دست کثیفش در جیب اعضای خودش است و از کیسه همین اسیران در بندی که در کهن سالی به سر می ببرند

گزارش خبرنگار «نیویورک تایمز» که پس از درخواست های متعدد توانست از اردوگاه فرقه رجوی بازدید کند

رسوایی جدید برای فرقه سرکوبگر رجوی

ما نمی توانیم درباره سرنوشت «رجوی» حرف بزنیم
اعتراف ده عضو فرقه رجوی به شست و شوی مغزی

در میان اشاره به سوابق فرقه تروریستی منافقین، نیویورک تایمز به نظر مورخی به نام «یرواند آبراهامیان» در خصوص وضعیت منافقین در افکار عمومی ایران اشاره می کند. «این گروه ادعا می کند که هنوز از حمایت زیادی برخوردار است اما آقای آبراهامیان گفت که محبوبیت این گروه پس از روی آوردن به خشونت در اوایل دهه ۱۹۸۰ سقوط کرده است. وقتی با مردمی گفت و گو می کنید که در دوران انقلاب زندگی کرده اند و نام «مجاهدین» را می برید، آنها برآشفته می شوند.»

خبرنگار نیویورک تایمز پس از اشاره به نحوه انتقال منافقین از عراق به آلبانی با نقش آفرینی آمریکا، می نویسد: «وقتی من از پایگاه بازدید کردم، به شکل عجیبی خالی به نظر می رسید. گروه ادعا می کند که [این پایگاه] میزبان ۲۵۰۰ نفر است اما در طول دو روز، ما بیش از ۲۰۰ نفر در آنجا ندیدیم.»

به نوشته این روزنامه آمریکایی، ده ها نفر از اعضای سابق فرقه تروریستی منافقین اکنون به صورت مستقل در آلبانی زندگی می کنند. «من با ده نفر از آنها دیدار کردم که هر کدام از آنها توضیح می داد که با شست و شوی مغزی مجرد اختیار کرده بود.» این افراد می گویند، روابط رمانتیک و افکار

نیویورک تایمز نیز چند روز بعد اجازه ورود دریافت کرد.»

نویسنده بر این باور است که شاید اجازه ورودش به کمپ منافقین تلاشی از سوی این فرقه برای تصحیح چهره اش پس از مواجهه با خبرنگار نیویورک تایمز در سال ۲۰۰۳ بوده است، زمانی که شخص مورد مصاحبه این خبرنگار از روی نوشته صحبت می کرده و خبرنگار اجازه گفت و گوی خصوصی با اعضای این فرقه را نیافته بود.

یکی از نکاتی که در این گزارش می تواند مورد توجه قرار گیرد، شیوه پاسخ گویی اعضای فرقه تروریستی منافقین به سوال در خصوص سرنوشت «مسعود رجوی»، سرکرده این فرقه است که به نوشته نیویورک تایمز از سال ۲۰۰۳ ناپدید شده است.

«علی صفوی»، نماینده فرقه تروریستی منافقین در واشنگتن وقتی با این سوال مواجه می شود، می گوید: «خوب، ما نمی توانیم در مورد این مساله حرف بزنیم...» او سخنانش را قطع می کند و نگاهش را به پاهایش می دوزد. سوال مجدداً این گونه مطرح می شود: «آیا او زنده است؟ آیا او در آلبانی است؟» پس از چند ثانیه سکوت، پاسخ صفوی باز هم این است: «ما نمی توانیم درباره آن حرف بزنیم.»

خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز که از اردوگاه فرقه تروریستی رجوی در آلبانی بازدید داشته، می گوید اعضای این فرقه نمی توانند درباره سرنوشت سرکرده این گروه سخن بگویند. «پاتریک کینگسلی»، خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز ضمن انتشار گزارشی در این روزنامه خبر داده که توانسته است از اردوگاه فرقه تروریستی منافقین در آلبانی بازدید کند.

به گزارش سرویس دیگر رسانه های فراق، بخش عمده گزارش نیویورک تایمز به روایت تاریخچه این فرقه تروریستی اختصاص دارد اما در میان سطور این گزارش، نکات جدیدی هم به چشم می خورند.

نویسنده در تشریح چگونگی ورود خود به کمپ منافقین می نویسد: «در ابتدا، گروه درخواست های متعدد برای دسترسی را نادیده گرفت. بنابراین بدون چندان امیدی به سوی پایگاه آنها حرکت کردم و مدارک خود را به محافظین ارائه دادم. سه ساعت بعد، اندکی پیش از غروب آفتاب، تماسی دریافت کردم. به شکل تعجب آوری اجازه ورود یافته بودم. بنابراین، شروع به یکسری مصاحبه، شرکت در جلسات تبلیغاتی و تورهایی کردم که تا ساعت ۱:۳۰ بامداد به طول انجامید. یک عکاس



نبوده است. کینگسلی با وودساید در خصوص وضعیت اردوگاه منافقین در عراق گفت‌وگو کرده است. او بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ ناظر آمریکایی‌ها در اردگاه منافقین بوده است.

به گفته وودساید، آمریکایی‌ها در واقع به ساختمان‌های اردوگاه منافقین و اعضای آن که بستگانشان می‌گفتند به زور در اردوگاه نگهداری می‌شوند، به صورت منظم دسترسی نداشته‌اند.

بر اساس گفته‌های وودساید، سران منافقین پس از چند روز تأخیر به اعضا اجازه دیدار با مقامات آمریکایی و خویشاوندانشان را می‌داده‌اند.

وودساید می‌گوید فرار از اردوگاه برای اعضا به خصوص زنان بسیار سخت بوده تا آنجا که دو نفر از آنان تلاش کرده بودند با کامیون تحویل بار از آنجا فرار کنند.

وی در پایان می‌گوید: «من آن سازمان را کاملا نفرت‌انگیز یافتیم. از اینکه آنها در آلبانی حضور دارند، متعجبم.»

مشغول ساختن آهنگ‌ها و ویدئوهایی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران هستند تا در شبکه‌های اجتماعی منتشر شوند.

کینگسلی در ادامه می‌نویسد: «سوئیت‌های کامپیوتر که جاشدگان می‌گویند چیزی شبیه به «ترول فارم» (مجموعه‌ای از اعضای دون‌پایه که با اکانت‌های متعدد در فیسبوک و توییتر پیام‌هایی را در انتقاد از دولت ایران، تشویق سران فرقه تروریستی منافقین و تقویت لابی‌گرایی که از آنها پول می‌گیرند تایپ می‌کنند) است، به من نشان داده نشد.»

وی می‌افزاید: «زمانی که جولیان و بولتون در سال‌های اخیر سخنرانی عمومی داشتند، به اعضا دستور داده شده بود که خط مشخصی را {از سخنان آنها} ۱۰ بار از اکانت‌های مختلف توییتر کنند.»

نویسنده می‌گوید منافقین بین او و سه نفر از آمریکایی‌هایی که از اردوگاه آنان در عراق حفاظت می‌کرده ارتباط برقرار کرده‌اند، اما «کاپیتان متیو وودساید» در بین این سه نفر

جنسی ممنوع بوده‌اند، تماس با خانواده به شدت محدود شده بود و از دوستی برحذر داشته می‌شدند. همگی روایت کردند که مجبور به شرکت در مراسم‌های انتقاد از خود بوده‌اند که در آن اعضا در خصوص هرگونه تفکر جنسی یا غیروفادارانه‌ای که داشتند در برابر فرماندهانشان اعتراف می‌کردند.

کینگسلی به نقل از «عبدالرحمان محمدیان»، فردی ۶۰ ساله که در سال ۱۹۸۸ به عضویت فرقه تروریستی منافقین درآمده و در سال ۲۰۱۶ از آن جدا شده، می‌نویسد: «شما کم‌کم می‌شکنید. خود را فراموش می‌کنید و شخصیتتان را تغییر می‌دهید. تنها از قوانین پیروی می‌کنید. شما خودتان نیستید. شما تنها یک ماشین هستید.»

خبرنگار نیویورک‌تایمز با اشاره به اینکه فرقه منافقین برای افزایش نفوذ خود روی به اینترنت آورده است می‌گوید در جریان بازدیدش از اردوگاه مزبور، یک استودیوی ضبط به او نشان داده شده که در آن دو آهنگساز

جشن ملی و پیام به مزدوران حلقه به گوش

ن. محمدی
انجمن نجات استان اردبیل



مشارکت عمومی و گسترده در صحنه انتخابات نشان‌دهنده همبستگی ملی، مذهبی است و بار دیگر با ایجاد اتحاد و همبستگی ملت ایران توطئه دشمنان انقلاب و نظام نقش بر آب کرد.

برنده‌ی این انتخابات ملت است و همه‌ی مردم که در انتخاب شرکت و حضور پر شور داشته‌اند و بازنده‌ی این انتخابات قطعاً آمریکا و صهیونیسم و نوکرائش اعم از سلطنت طلبان، سران فرقه رجوی که دشمن ملت ایرانند.

حضور پر شور ملت ایران در صحنه انتخابات به مثابه انتقام سخت علیه آمریکا است و ای آمریکای جنایت پیشه و مزدوران حلقه بگوش و ای سران فرقه رجوی بدانید که مردم آگاه و با بصیرت ایران عزیز تا آخرین قطره خون و تا آخرین نفس در مقابلتان خواهند ایستاد.

عوامل استکباری و مزدوران خارج نشین در فضای مجازی و کانال‌های فارسی زبان بی بی سی، من و تو، و فرقه منحوس رجوی وطن فروش مبنی بر تحریم انتخابات، به کوری چشم دشمنان انقلاب مردم غیور و شرافتمند ایران عزیز بار دیگر حماسه بزرگ آفریدند و با آمدن به پای صندوق‌های اخذ رای امید بر اندازی آنان را ناکام گذاشتند و دیگر بار توطئه خائنانه آنان را خنثی شد.

در دوران هشت سال دفاع مقدس، دیکتاتور بعث عراق با توصیه فرقه رجوی مردم را با بمباران هوایی تهدید می کرد تا در مراسم جشن انقلاب و انتخابات شرکت نکنند علیرغم این تهدیدات باز مردم با وجود بمباران‌های هوایی در صحنه حضور انقلابی داشتند و با حضورشان مشت محکمی بر دهان یاهو گویان بود.

روز جمعه دوم اسفند ماه رای گیری برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سراسر ایران عزیزمان از ساعت ۸ به وقت محلی آغاز شد.

رهبر فرزانه و معظم انقلاب در سخنانی، روز انتخابات را روز جشن ملی خواندند و با تبریک این جشن به همه هم میهنان فرمودند روز انتخابات روز احقاق حق مدنی ملت است که می‌خواهند با رأی دادن، شرکت خود در اداره امور کشور را که حق آنهاست به دست آورند، ضمن اینکه رأی دادن یک تکلیف شرعی است. دیروز هر برگه رأیی که به صندوق‌ها انداخته شد مهر تایید به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی و حضور هر ایرانی پای صندوق‌های اخذ رای مشت محکمی بر یاهو گویان و دشمنان نظام و انقلاب بود. علیرغم تبلیغات گسترده و شبانه روزی

روایت عضو نجات یافته از فرقه رجوی از روزی که به خانواده ها بد و بیراه گفته شد

خانواده از دید فرقه رجوی یک بُمب اتم است

فؤاد بصری



رجویست. در تجمع آن روز فرشته یگانه خودش را به در و دیوار می کوبید که مانع ملاقات ما با خانواده ها شود ولی در این رابطه شکست خورد و ما با خانواده های خود ملاقات کردیم.

بعد از ملاقات، فرشته یگانه مجدداً ما را خواست و گفت شما مرز را رد کردید و از این پس نمی توانیم به شما به دید یک مجاهد نگاه کنیم و شروع کرد به خانواده های ما بد و بیراه گفتن. بعد از ملاقات با خانواده ام میز فرقه را چپ کردم و هر روز روی میز آنها بودم. منتظر فرصتی بودم که خودم را از فرقه نجات بدهم. از دید فرقه رجوی خانواده به مثابه یک بُمب اتم است به همین دلیل است که فرقه رجوی از دست خانواده در حال فرار است.

انجمن نجات مرکز اراک

فرشته یگانه بردند. برای تجمع نفرات یک سالن کوچکی را در نظر گرفته بودند.

چند دقیقه ای در سالن نشسته بودیم که فرشته یگانه وارد سالن شد و بدون مقدمه شروع کرد به پرخاشگری بر علیه خانواده ها و در ادامه گفت چرا می خواهید بروید با یک مشت مزدور خود فروخته ملاقات کنید؟

خجالت نمی کشید جواب برادر را چگونه می خواهید بدهید. من به جای شما باشم همین الان بر می گردم مقر و محل به این مزدوران نمی گزارم، ما با این ها یک دریا خون فاصله داریم. مگر شما بچه های سازمان نیستید (خیلی جالب بود تا دیروز ما اسیران پیوسته بودیم سران فرقه خودشان را لای منگنه دیدند شدید بچه های سازمان، این هم یکی از ترفند های کثیف سران فرقه

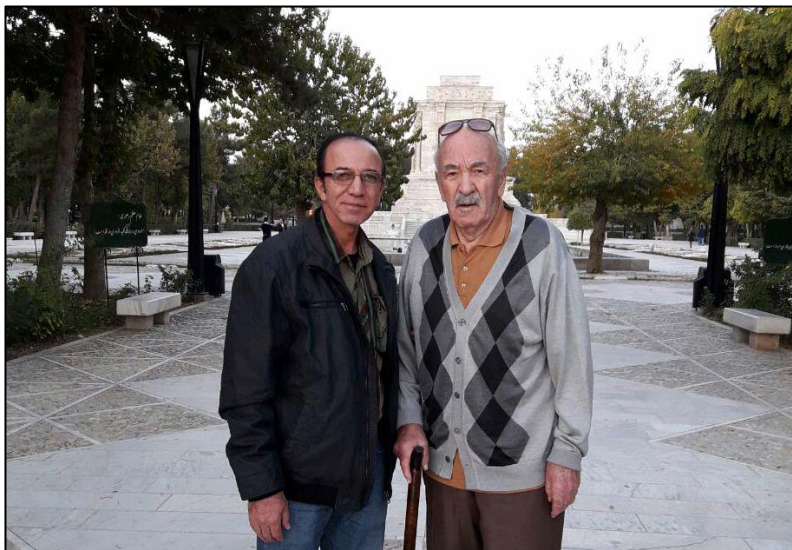
روزی که خانواده ها به درب اشرف مراجعه کردند سیستم فرقه رجوی به هم ریخت. سران فرقه می گفتند چند موشک به مقر اشرف اصابت کند و کشته بدهیم برای ما بهتر است تا خانواده ای به درب اشرف مراجعه کند. خانواده ها به درب اشرف مراجعه می کردند از جمله خانواده من.

در آن زمان که آمریکائی ها در اشرف مستقر بودند اجازه دادند که خانواده ها به داخل اشرف وارد شوند و با سران فرقه رجوی هماهنگ کرده بودند که اجازه دهید خانواده ها با فرزندانشان دیداری داشته باشند. از آنجایی که سمبه پُر زور بود سران فرقه موافقت کرده بودند.

طبق اسامی همه ما را که خانواده هایمان برای ملاقات آمده بودند، جمع کردند و نزد

یادی از یک پدر که درد مشترک همه خانواده های اسیران بود

فراق - بخشعلی علیزاده



فراق: در این نوشته قصد دارم یادی کنم از یک پدر قهرمان که الان در میان ما نیست و چهره در خاک کشیده است. تصمیم دارم از پدر خودم یاد کنم که اکنون در میان ما نیست و بدرود حیات گفت و رفت.

او نیز همچون خیلی از پدران دیگر که اسیری در بین اسرای فرقه رجوی ملعون داشت برای رهایی و آزادی فرزندش دست به هر کاری زد و هر فداکاری که نیاز بود انجام داد تا بلکه قدمی در راه رهایی فرزندش انجام داده باشد. پدری که قبلاً یک فرزند پسر جوان دیگرش را در اثر یک تصادف از دست داده بود، و سنگینی بار آن غم کمرش را خم کرده بود، آمده بود که پسرش را اگر که بتواند از اسارت فرقه رجوی نجات داده و زندگی را مجدداً به او باز گرداند.

حاج موسی علیزاده که بسیاری از خانواده های اسرای در بند رجوی او را می شناختند و به تواضع این مرد بزرگ پی برده بودند که چه انسان شریفی بود. در چهره او صلابتی بی مثال می دیدند و در رفتار و کردارش متانت و خضوعی که در کمتر کسی دیده می شد. اما آنچه که او را در میان سایر پدران و مادران و خانواده ها مشابهت می بخشید، درد مشترکی بود که همه آن خانواده ها داشت.

درد دوری و جدایی از فرزند و دلبنده و نور چشمشان، درد سالیان فراق و حسرت و رنج و محنت، درد زخم های روزگاری که رجوی جنایتکار بر خانواده های ایران و ایرانی وارد کرد و هیچ وقت التیام نیافت، بله در تمام این درد و رنج ها پدرم همانند سایر خانواده ها بود، اگر بیشتر از آنان رنج نکشیده بود کمتر هم نبود.

همین تکان ها باعث شد که من به خودم بیایم و حرکتی بکنم و تصمیمی بگیرم و قیام کنم تا که برگردم به نزد خانواده، خانواده ای که

قرار دادن کسانی که از فرقه مرگبار رجوی جدا می شدند امکان بازگشت به وطن وبه آغوش گرم خانواده را داشتند.

ناگهان خودم را در کنار خانواده دیدم، باورش برایم سخت بود ولی این آرزوی چندین ساله برایم محقق شده بود، در کنار پدری بودم که سالها در رویاهایم با وی می خندیدم و می گریستم! چهره اش بسیار شکسته و کمرش خم شده بود، دیدن آن صحنه ها برایم اصلاً خوشایند نبود و خیلی عذاب می داد ولی مهم این بود که اکنون در کنارشان هستم، البته که جای مادرم به شدت خالی بود و غم هجران او تا به ابد مرا در خود خواهد پیچید.

تاسف بار تر از همه این که دو سال بعد از برگشتنم به ایران، آن پدر مرا در این دنیا تنها گذاشت و رفت، رفته به نزد مادرم تا او بیشتر از این تنها نباشد، اما من ماندم و کوهی از غم و اندوه.

چه روزگار سخت و طاقت فرسایی هست، روحشان شاد و پادشان گرمی.

به جد باعث ناراحتیشان را فراهم کرده بودم و باید یک جوروی این عذاب وجدان را از درونم تخلیه میکردم. فکر کردم که دیگر حمالی کردن مفت و مجانی برای رجوی بس است، دیگر دروغ بس است، باید به این همه نیرنگ و فریب پایان داد. تا به کی می شود این همه ننگ و نیرنگ و فریب و دروغ را تحمل کرد؟ و واقعا تا به کی؟

لذا به خودم آمدم و بعد از مدتها جنگیدن با افکار پلیدی که رجوی در طی سالیان در درونم تنیده بود، برای خروج و رهایی از دام این ستمگران و برگشتن به آغوش وطن و به کانون گرم خانواده طرحی نو برانداختم. هر چند که سالیان زیادی را از دست داده بودم ولی باز فرصت داشتم که بتوانم چند صباحی را در کنار خانواده باشم به ویژه در کنار پدری که در سرما و گرمای عراق مدت ها تحمل سختی کشیده بود تا که صدایش را به من برساند که مرا رها سازد. به لحاظ قانونی هم که جمهوری اسلامی ایران بسترش را فراهم کرده بود و با مورد عفو

نمونه‌هایی از احترام فرقه رجوی به آرای مردم و جمهوری مبتنی بر آرای مردم

دموکراسی به شیوه خائن

محمد مهدی حسین پور



همواره در ایام برگزاری انتخابات در نظام جمهوری اسلامی و مشارکت بی نظیر مردم در چهل سال اخیر در پای صندوق‌های رای، دولت‌ها و گروه‌هایی که هیچگاه خواست و اراده ملت خود را نپذیرفته‌اند و مستبدانه بر مردم خود حکومت کرده‌اند، ترس خود را از مشارکت همیشگی ملت ایران با افاضات دموکراتیک! به نمایش می‌گذارند؛ از حکومت شیرده سعودی و اربابان غربی اروپایی‌شان تا متوهمان حکومت بر ملت ایران همچون منافقین و سلطنت‌طلب‌ها.

به گزارش فراق، در این بین، منافقین که حیات بی‌ثمر و بی‌جان خود را در پادویی آمریکا و سایر کشورهای اروپایی می‌بینند، بیشترین تقلا را برای تشکیک در انتخابات و مشارکت مردم می‌دهند؛ کاری بیهوده که در این چهل سال مستمرا انجام دادند و صرفا در هر سال شکل آن تغییر کرده است و واعجا از دولتمردان آمریکایی که هنوز دلارهای سعودی را خرج چنین گروه بی‌خاصیتی می‌کنند.

از همان ابتدای پیروزی انقلاب که هنوز این گروه ضدخلق به صورت آشکار دست به ترور مردم بیگناه ایران اسلامی زده بود و با فریب عده‌ای از جوانان سعی در کسب جایگاه اجتماعی برای خود بود با روشنگری برخی خواص همچون استاد شهید مطهری و بیان پیشینه آنان، نتوانست هیچ جایگاهی در انتخابات‌های مجلس، ریاست جمهوری و خبرنگاران به دست آورد و همین مسئله موجب حقد و کینه آنان از مردم انقلابی ایران و به تبع آنان روی آوردن به اقدامات تروریستی گردید.

ژست دموکراتیک آنان به تحریم انتخابات و تشکیک در آن منتهی نشد؛ بلکه در دزدی صندوق‌های رای، حمله به حوزه‌های رای‌گیری و کشتار مردم نیز نمود یافت. البته این نوع برخورد با نظر و عقیده ملت از سوی این گروه وطن‌فروش را می‌توان در هر برهه‌ای از روابط درون فرقه‌ای آنان نیز مشاهده کرد؛ قطعاً گروهی که هیچ اختیاری را برای بیان عقیده و نظر هم صنفان خود قائل نباشد و

نمونه‌هایی از احترام منافقین به آرای مردم و جمهوری مبتنی بر آرای مردم!
برگرفته از روزشمار وقایع تروریستی ایران

۱ مرداد ۶۰ قوچان: در شب قبل از انتخابات چند نفر از اعضای مؤثر منافقین همراه با چند کوکتل مولوتف که قصد آتش‌سوزی داشتند دستگیر شدند.

۲ مرداد ۶۰ تهران: نام و مشخصات برخی از افرادی که در روز انتخابات ریاست جمهوری در خیابان‌های تهران توسط منافقین (مجاهدین خلق) به شهادت رسیدند، اعلام شد: شهید قنبر اخباری‌زاده نایینی که در انفجار بمب در شهر ری شهید شد. پاسدار شهید محمدرضا رضانی، در انفجار بمب در خیابان فروغی شهید شد. پاسدار شهید حمیدرضا بیدهندی، سوار بر موتور سوزوکی بود که مورد سوء قصد منافقین (مجاهدین خلق) کوردل قرار می‌گیرد، تروریست‌ها سوار بر اتومبیل وانت وی را به رگبار مسلسل می‌بندند. شهید رضا میرزایی، پاسدار علی‌رضا طارم سری و پاسدار بهزاد بهرامی (مهرایی) توسط ۳ منافق که لباس پاسداری به تن کرده بودند در مقابل مسجد هدف گلوله قرار

آنان را با اجبار، تهدید، شکنجه و کشتار سرکوب نماید، به هیچ وجه نمی‌تواند عقیده جامعه‌ای که به لحاظ فکری با آن در تعارض است را قبول کند.

در سالیان اخیر و به‌ویژه ایام پیش رو، اما نحوه تقابل این گروهک با مشارکت مردمی در نظام جمهوری اسلامی اشکال دیگری به خود گرفته است. آنان که شدت تنفر ملت ایران را از خود دریافته‌اند و دانسته‌اند که اگر با نام و نشان منافقین یا به قول خودشان مجاهدین خلق!!! به جوسازی بپردازند راه به جایی نمی‌برند، دست به دامان انتشار اخبار جعلی با عناوین فیک در فضای مجازی شده‌اند: از حمله به شورای نگهبان و نظارت استصوابی تا تقلب و ناامیدسازی از بهبود وضعیت معیشتی و...

شناخت این چنین اخبار و جوسازی‌هایی از سوی مردم هیچگاه سخت نبوده چراکه بارها در چنین معرکه‌های آزموده شده‌اند؛ اما آن چیزی که سوالات متعددی را در ذهن این ملت با بصیرت ایجاد می‌کند، تکرار این اخبار جعلی از زبان برخی مسئولین است. انتخابات پیش رو نیز قطعا از این قاعده مستثنی نیست و منافقین بی‌آرم و نشان مشغول خواهند بود.

۱۰ مهر، ۶۰: آمل: هم زمان با رأی گیری انتخابات ریاست جمهوری از داخل یکی از باغ های اطراف قادی محله آمل یک تن از پاسداران محافظ صندوق اخذ رأی از فاصله دور مورد سوء قصد قرار گرفت و مجروح شد.

۱۰ مهر، ۶۰: اصفهان: عوامل مسلح منافقین (مجاهدین خلق) ساعت ۱۰:۰۵ صبح، از داخل یک اتومبیل بی‌ام‌و سبز رنگ به سوی ۳ تن از برادران بسیج اصفهان که مشغول گشت زدن با موتورسیکلت در مقابل یکی از حوزه های انتخاباتی در خیابان چهارباغ بالا بودند، شلیک کردند که در نتیجه دو تن از برادران بسیج شهید و یک نفر دیگر مجروح شدند. منافقین (مجاهدین خلق) پس از این جنایت متواری شدند. اسامی شهدا: شهید علی ضامن نظری مشهدی و شهید حسین یزدانی آذرمنابادی.

۱۰ مهر، ۶۰: خوی: سه بمب دست‌ساز در حوزه های انتخاباتی شهرستان خوی کشف و خنثی شد.

۱۰ مهر، ۶۰: سنندج: بر اثر انفجار بمبی در حوزه انتخاباتی واقع در خیابان سیروس قدیم شهر سنندج ۵ نفر شهید و ۲۵ نفر مجروح شدند و به چند دستگاه خودرو آسیب وارد آمد. اسامی شهدا: شهید سیدوفا حسینی، شهید علی زنده، شهید عباس پیرمرادی، شهید احمد حبیبی چناران و شهید حبیب‌الله روشن‌ستاره.

۱۲ مهر، ۶۰: قائم شهر: ۶ نفر از هواداران منافقین (مجاهدین خلق) که قصد برهم زدن و آشوب انتخابات ریاست جمهوری در قائم‌شهر را داشتند، توسط پاسداران دستگیر شدند.

۲۹ آذر، ۶۰: اهواز: با کمک مردم و تلاش پاسداران کادرهای اصلی سازمان منافقین (مجاهدین خلق) در اهواز و خوزستان دستگیر شدند. تعدادی از دستگیر شدگان قبلاً خود را کاندیدای انتخابات مجلس شورای اسلامی کرده بودند.

۱۸ بهمن، ۶۰: تهران: در یک درگیری مسلحانه که در خیابان سید خندان تهران روی داد یک تن از منافقین (مجاهدین خلق) به نام ابراهیم سنجری کاندیدای سازمان منافقین (مجاهدین خلق) برای انتخابات مجلس شورای اسلامی از بند ریگ به هلاکت رسید، دو زن دیگر نیز بازداشت شدند. در بازرسی از این افراد یک قبضه کلت کمربندی و مقداری اسناد درون گروهی در رابطه با نقش آنان در ترورها به دست آمد.

انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی، معرفی نامه از کمیته امداد امام، هفت عدد کوله پستی، ۳ عدد قمقمه، یک آرم بسیج سپاه پاسداران، تعداد زیادی نشریه مجاهد، پیکار، کار، امت و پیام‌هایی از بنی‌صدر معزول و نشریه دست‌نویس.

۲۹ شهریور، ۶۰: تهران: در ساعت ۲۰:۳۰ گروه ضربت سپاه پاسداران منطقه ۱۱ موفق به کشف و انهدام یک خانه تیمی و دستگیری سه نفر از اعضای این خانه شد. از این خانه ۳۳ قبضه سلاح ۳ و مقادیر زیادی فشنگ این سلاح کشف گردید. پاسداران هنگام انتقال دستگیرشدگان متوجه حضور دو تروریست دیگر می‌شوند که ضمن تعقیب به درگیری مسلحانه با آنها می‌پردازند که سرانجام پس از ساعتی تیراندازی هر دو تروریست دستگیر می‌شوند و اعتراف می‌کنند که در دوم مهرماه قصد ترور حجت الاسلام گلپایگانی و همچنین انجام گسترده عملیات ترور و تخریب در روز انتخابات را داشتند. از دو خودرو این تروریست‌های عضو گروهک منافقین (مجاهدین خلق) ۱۸ قبضه سلاح ۳ و فشنگ‌های آن کشف گردید.

۳ مهر، ۶۰: تهران: در ساعت ۱۴:۰۰، سه تن از برادران بسیج مقارن با انتخابات ریاست جمهوری مشغول به نصب پوسترهای حجت‌الاسلام خامنه‌ای بودند که توسط سرنشینان ناشناس یک دستگاه اتومبیل پژوی سفید رنگ در خیابان آیت‌الله کاشانی تهران مورد سوء قصد قرار گرفتند و هر ۳ نفر به شهادت رسیدند. اسامی این شهدا عبارتند از: (۱) (عباس) ابوالفضل علی اکبری، (۲) محمدحسین (رضا) الله‌داد، (۳) علی اکبر حسین بیگی.

۷ مهر، ۶۰: خرم‌آباد: پیکر حجت‌الاسلام عبدالحسین میسر، سرپرست بنیاد لرستان و عضو هیات اجرایی انتخابات ریاست جمهوری که بامداد پنجم مهرماه در خرم‌آباد مورد سوء قصد دو مهاجم موتور سوار قرار گرفت و به شهادت رسید، در خرم‌آباد تشییع شد.

۹ مهر، ۶۰: زاهدان: یک خانه تیمی توسط افراد سپاه زاهدان کشف شد که از این خانه تیمی برنامه و اسناد طرح ترور ۸ نفر از روحانیون اهل سنت و عده ای از مقامات استان و سپاه که قرار بود در روز انتخابات به مرحله اجرا گذاشته شود، کشف و خنثی شد. در جستجو از این خانه تیمی مقداری مهمات، تی‌ان‌تی، اسلحه ۳، انواع بی‌سیم و قطب‌نما به دست آمد و یک نفر نیز بازداشت شد.

گرفتند. شهید محمدتقی مرادی، سرباز وظیفه شهید محمدرضا زکی‌زاده از یزدا، پاسدار شهید علی اکبر معظمی از یزدا، شهید علی اصغر اسدی.

۲ مرداد، ۶۰: تهران: پاسدار جلیل عباسی از کمیته ناحیه ۴ میرداماد، که در روز رأی‌گیری به منظور حفاظت از صندوق رأی‌گیری به گشت اعزام شده بود و در جریان توطئه توسط منافقین (مجاهدین خلق) ترور و به شهادت رسید.

۲ مرداد، ۶۰: ورامین: همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، در میدان ۱۵ خرداد پیشوای ورامین از یک وانت بار متعلق به منافقین (مجاهدین خلق)، ۱۴ قبضه اسلحه ۳، سه عدد نارنجک جنگی و تعداد زیادی فشنگ و مهمات که جاسازی شده بود کشف شد.

۳ مرداد، ۶۰: تبریز: در نخستین ساعات رأی‌گیری انتخابات ریاست جمهوری یک بمب صوتی از نوع سه راهی در محله سیلاب تبریز منفجر شد که به کسی آسیبی وارد نیامد. در این رابطه ۲ نفر دستگیر شدند.

۳ مرداد، ۶۰: شمیران: در روز انتخابات ریاست جمهوری یک بمب در منطقه میدان دربند شمیران منفجر شد که از تلفات و خسارات آن اطلاعی در دست نیست.

۵ مرداد، ۶۰: تهران: آیت‌الله مهدوی‌کنی، وزیر کشور اعلام کرد که در جریان انتخابات (۵۰ نفر روز انتخابات و ۷۰ نفر روز قبل از انتخابات) از عناصر منافقین و ضدانقلاب در تهران دستگیر شدند.

۱۰ شهریور، ۶۰: سنندج: ساعت ۹:۳۰ صبح همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، در اثر انفجار یک بمب نسبتاً قوی در خیابان سیروس سنندج که توسط ضدانقلاب درون سطل زباله‌ای کار گذاشته شده بود، ۳۲ نفر مجروح و ۳ تن شهید شدند. در میان مجروحین ۶ کودک و ۴ زن عابر وجود دارند.

۱۱ شهریور، ۶۰: اراک: توسط پاسداران کمیته مرکزی اراک و همکاری مردم، دو خانه منافقین (مجاهدین خلق) همراه با تعداد بسیاری وسایل مربوط به این گروهک کشف شد. در این رابطه ۶ نفر دستگیر شدند. وسایل کشف شده به شرح زیر است: دو عدد گالون مایع ساخته شده کوکتل مولوتف، ۳ عدد دوربین، پنج عدد چماق ۶ پراهنی، تعدادی درپوش سه‌راهی و یک دو راهی زانوئی، نقشه کامل شهر تهران همراه با کروکی مساجد و پایگاه‌های مقاومت مردم، حکم نظارت بر

مسیری تهدیدآمیز که آلبانی در آن پیش می رود

ابراهیم خدابنده
انجمن نجات مرکز تهران



انتقال مجاهدین خلق به آلبانی بعد از سقوط دیکتاتور بغداد در سال ۲۰۰۳، دولت های عراقی یکی بعد از دیگری مصرانه خواهان اخراج مجاهدین خلق، که آن را یک تهدید امنیت ملی به حساب می آوردند، از کشورشان بودند. مشکل در این بود که هیچ کشوری آمادگی پذیرش آنان را نداشت تا این که آلبانی به خاطر منافع کوتاه مدت برخی سیاستمدارانش نسبت به این موضوع تمایل نشان داد.

در حال حاضر دولت آلبانی خدماتی مشابه صدام حسین در گذشته در اختیار این فرقه قرار می دهد.

۱۲۰۰۰ قربانی گرفت. آنان همچنین همراه با ارتش صدام حسین در سرکوب قیام ۱۹۹۱ در شمال و جنوب عراق شرکت نمودند. این فرقه همچنین دارای سوابق فجیع نقض حقوق انسانی علیه اعضای خود می باشد که آنان را مغزشویی کرده و در یک اردوگاه بسته و دور افتاده، ابتدا در عراق و سپس در آلبانی، نگهداری می نماید.

صدام که همیشه دشمن ایران و ایرانی بود از مجاهدین خلق تروریست برای پیش برد عملیات خرابکارانه در داخل ایران تا زمان سقوطش توسط اشغالگران آمریکایی در سال ۲۰۰۳ استفاده نمود.

دولت آلبانی ظاهراً منافع کوتاه مدت مقابله با ایران و حمایت از مجاهدین خلق را به منافع دراز مدت رابطه با اروپا و دنیا ترجیح می دهد.

سازمان مجاهدین خلق (شورای ملی مقاومت، ارتش آزادی بخش ملی، یا بهتر است گفته شود فرقه رجوی) یک پادگان نظامی در عراق داشت که توسط صدام حسین تجهیز گردیده بود و این فرقه به صورت فعال علیه کشور خود و در طرف دشمن در جنگ هشت ساله ایران و عراق (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸) شرکت نمود.

این عمل مکمل اقدامات تروریستی در داخل ایران در اوایل دهه ۸۰ میلادی بود که



آلبانی ها به دنبال چه هستند؟

دولت آلبانی ظاهراً منافع کوتاه مدت مقابله با ایران و حمایت از مجاهدین خلق را به منافع دراز مدت رابطه با اروپا و دنیا ترجیح می دهد. سازمان مجاهدین خلق دیگر یک تهدید امنیتی یا حتی یک تهدید سیاسی برای ایران نیست، این سازمان بیشتر یک مشکل حقوق بشری است. ولی مجاهدین خلق می توانند یک تهدید برای آلبانی و همچنین کل اروپا به حساب بیایند.

اعضای مجاهدین خلق بدون مدارک سفر به آلبانی آورده شدند لذا هیچ موقعیت قانونی در این کشور ندارند و بی وطن به حساب می آیند و آنان در حال حاضر در دستان رهبری فرقه در شرایط برده داری نوین زندگی می کنند. در حال حاضر صدها تن از اعضا در آلبانی از این فرقه جدا شده اند و هیچ گونه حمایت قانونی و مالی ندارند. هزاران خانواده از ارتباط با عزیزان خود در داخل اردوگاه سازمان محروم می باشند. ترسم از این است که آلبانی ریسک بالایی را در پیروی کامل از سیاست خصمانه ترامپ در قبال ایران و ایرانی بپذیرد. حمایتی که دولت آلبانی از اقدامات آمریکا می کند در جهان منحصر به فرد است و به هیچ وجه آنان را به اروپا نزدیک تر نخواهد کرد.

حتی اگر به این معنا باشد که بهای آن از دست دادن عضویت در اتحادیه اروپا باشد که البته خیلی مشتاق آن است.

روابط اتحادیه اروپا و آلبانی

آلبانی کاندیدای عضویت در اتحادیه اروپا می باشد و پیشرفت قابل توجهی در سال های اخیر برای رسیدن به معیارهای سیاسی و اهداف مرتبط با پنج اولویت کلیدی برای باز کردن باب مذاکرات در این خصوص داشته است. در هر صورت، دولت آلبانی نیاز دارد تا موانع چالشی باقی مانده را با یک روش پایدار، جامع و ملموس، خصوصاً وقتی به مقابله با فساد در تمامی سطوح، مقابله با جرائم سازمان یافته، ارتقای نقش قانون و اصلاح سیستم قضایی، حمایت از اقلیت ها و برقراری روابط خوب با همسایگان بر می گردد، از میان بردارد. حال آلبانی، برای خوشنودی خط دهندگان آمریکایی، یک فرقه تروریستی را در خاک اروپا با هر وسیله ممکن مورد حمایت کامل قرار می دهد. جادشندگان از مجاهدین خلق تحت فشارهای شدید برای وادار کردن آنان به بازگشت به داخل فرقه قرار می گیرند، و اعضا از ارتباط با دنیای خارج، خصوصاً خانواده شان، محروم هستند. دولت آلبانی از ورود خانواده های اعضای مجاهدین خلق که برای دیدار عزیزان خود می روند ممانعت به عمل می آورد.

ترامپ از دولت آلبانی به خاطر تقابل با ایران تشکر کرد

در ۱۵ ژانویه ۲۰۲۰ اعلام شد که آلبانی دو دیپلمات دیگر ایران را هم اخراج نموده است. وزیر خارجه آلبانی گنت کاکاج این تصمیم را در صفحه فیس بوک خود اعلام نمود. او نوشت که، از دو نماینده جمهوری اسلامی خواسته شد تا خاک جمهوری آلبانی را ترک نمایند. کاکاج، توضیح بیشتری در این خصوص ارائه نداد.

رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ، از آلبانی به خاطر اخراج دو دیپلمات ایرانی ظاهراً به دلایل امنیت ملی تشکر نمود. طبق اعلام سفارت آمریکا در تیرانه، ترامپ از نخست وزیر ادی راما در نامه ای به خاطر کوشش های مستمر برای تقابل با ایران تشکر کرد. دشمنی دولت ترامپ با ایران و ایرانی بر کسی پوشیده نیست، و رئیس جمهور آمریکا تصور می کند که ممکن است به نحوی بتواند از تروریست های مجاهدین خلق علیه ایران استفاده نماید. این دلیل حمایت آمریکا از این گروه است و لذا سعی می کند تا جلوی فروپاشی آن را علی رغم نقض اولیه ترین حقوق انسانی اعضا بگیرد. نقش دولت آلبانی در این راستا بیش از دنباله روی کورکورانه از رهنمودهای واشنگتن نیست،

مروری بر کارنامه سیاه فرقه سرکوبگر رجوی پس از اخراج به آلبانی

بیدار باش از ۵ صبح برای خیانت به ملت ایران

مرتضی حیدرزاده - انجمن نجات استان اردبیل



فراق: پس از بالا گرفتن رسوایی های فرقه رجوی مبتنی بر دادن رشوه و دعوت سخنران های اجاره ای برای مراسم ها و شوهای سالانه منابع و خبرگزاری های متعددی از رویه رشوه خواری سناتورها پرده برداشتند و افشاجاری های گسترده ای منتشر نمودند از جمله آسوشیتدپرس و فاکس نیوز در گزارش مستندی اعلام نمودند: یکی از وزرای دولت ترامپ و چند تن از مشاوران و نزدیکان وی به خاطر سخنرانی در محافل و اجتماعات سازمان مجاهدین خلق، مبالغ قابل توجهی از این گروه پول دریافت کرده اند؛ رودی جولینایی و نیوت گینگریچ از جمله مشاوران و نزدیکان ترامپ هستند که برای سخنرانی علیه ایران از سخاوتمندی های سازمان مجاهدین خلق سود جستند.

الین چائو، وزیر حمل و نقل کابینه دونالد ترامپ، اعلام کرده که فرقه رجوی برای ایراد فقط یک سخنرانی ۵ دقیقه ای، به او مبلغ ۵۰ هزار دلار پرداخت کرده است.

رودی جولینایی، شهردار سابق نیویورک و از افراد نزدیک به دونالد ترامپ و از مشاوران حلقه درونی وی برای ایراد چندین سخنرانی در محافل و مجالس سازمان مجاهدین خلق، مبالغ هنگفتی دریافت کرده است؛ آسوشیتدپرس، در گزارش منتشره بر موارد بسیار زیادی از دریافت های مقامات دولت ترامپ و همچنین مقامات پیشین جمهوری خواه و دموکرات، نمایندگان و سناتورهای آمریکایی، انگشت گذاشته است که همگی آنان از سخاوتمندی های سازمان مجاهدین خلق بهره برده اند. در این گزارش هم چنین قید شده دریافت رشوه توسط برخی سناتورهای آمریکایی از گروهک تروریستی منافقین آنچنان گسترده شد که «باراک اوباما» رئیس جمهوری پیشین امریکا به وزارت خزانه داری این کشور برای توقف این روند دستور صادر کرد.

در این گزارش آمده است که تعدادی از مقامات پیشین سنا و دولت ایالات متحده

دولت صدام و سال ها زندگی خفت بار در اردوگاه اشرف، لجبازی رجوی بعد از سقوط صدام به قصد ماندن در عراق ادامه یافت تا به زعم خویش ترور و اقدامات مسلحانه را ادامه دهد. اما سرانجام با فشارهای بین المللی و حکم اخراج دولت جدید عراق، با به کشتن دادن حدود ۲۰۰ تن نهایتاً با هزینه دولت آمریکا به کشور پرحاشیه و فقیر آلبانی اخراج شدند. پس از کوتاه شدن دست رجوی و اعضای دست نشانده از امکانات نظامی و مرز های ایران این گروه مجبور شد به شیوه های دیگری متوسل شود.

نیروهای سالتخورده ای که هم اکنون در دهه ۶۰ و ۷۰ زندگی و پابگور هستند با آموزش های لازم مشغول فعالیت در فضای مجازی برای تاثیر گذاری منفی بر مردم و فضای سیاسی کشور شدند. بدین ترتیب بود که شبکه ۴ انگلیس، مدتی پیش گزارشی از اردوگاه منافقین در آلبانی منتشر کرد. و نوشت این اردوگاه سالمندان در منطقه ای روستایی واقع در خارج از شهر مانز قرار گرفته که بیشتر برای نگهداری آوارگان و پناهجویان مورد استفاده قرار می گرفت. اردوگاهی که هم اکنون حدود ۲۵۰۰ عضو منافقین را در خود جای داده و تحت حفاظت دستگاه های امنیتی دولت آلبانی قرار دارد. البته خبرنگار شبکه ۴ انگلیس که برای تهیه گزارش به اردوگاه منافقین رفته بود

آمریکا از جمله سخنگوی سابق کاخ سفید و مشاور کنونی ترامپ یعنی «نیوت گینگریچ»، برای سازمان مجاهدین خلق سخنرانی کرده اند که رقم های دریافتی برخی از آنها برای این سخنرانی اعلام شده است؛ اما بسیاری نیز از اعلام مبالغ دریافتی در ازای این سخنرانی ها خودداری کرده اند. گزارش شبکه ۴ انگلیس هدف نهایی منافقین را ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران عنوان کرده و اضافه می کند که آنها از طریق پرداخت رشوه به نزدیکان دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا سیاست ضد ایرانی کاخ سفید را طراحی می کنند.

بالاگرفتن جنگ و جدایی بین ترامپ و بولتون و رودی جولینایی

می بینیم با همه پرداخت های گزاف و علیرغم سرمایه گذاری و دخیل بستن های رجوی و مریم قجر بر روی رودی جولینایی و بولتون، نیکی هیلی و مردان رشوه خوار و منفعت پرست امروز شاهد رقم خوردن شرایط جدیدی هستیم. جان بولتون از دولت ترامپ اخراج شد و کتابی علیه ترامپ نوشته ... و دعوای این دو بالاگرفته، نیلی هیلی مورد تصفیه قرار گرفت و ناکام رفت و رودی جولینایی نیز سرنوشتی بهتر نخواهد یافت.

اخراج فرقه از عراق به آلبانی

پس از سال های مزدوری و همجواری با

با برخورد خشن مقام های آلبانی و اعضای منافقین مواجه می شود. و حتی پس از ارائه کارت خبرنگاری خود اجازه ورود به داخل کمپ را پیدا نمی کند به گزارش خبرنگار شبکه انگلیسی، بر اساس تدابیر امنیتی، غیر از اعضای این گروهک سایر افراد قادر به نزدیک شدن تا شعاع چند صد متری اردوگاه نخواهند بود. تمام تلاش ها و توان گروه سالخورده در دوران جدید منتهی به فعالیت در فضای مجازی شد که مهم ترین اقدامات، هشتک سازی های تروریستی و جعلی درباره شرایط ایران است.

خبر چینی، مزدوری و همراهی با امپریالیسم، صهیونیسم و سعودی

ارتباط تنگاتنگ با عاملین اطلاعاتی آمریکا و حمایت گسترده از اقدامات دولت آمریکا علیه ایران. از دیگر اقدامات سخیف و خیانت کارانه منافقین پس از اخراج از عراق است. گسترش مزدوری، خبرچینی، و باز نشر گسترده اقدامات دولت آمریکا علیه مردم ایران چون تحریم و تهدیدات مختلف در سال های اخیر همچنان که رو به فزونی گذاشته بطور مضاعفی نیز این گروه تروریستی را نزد مردم ایران منفور و منزوی نموده است.

هیزم کشی و حمایت از شوهای سخیف نیکی هیلی علیه ایران

در حالیکه کشور یمن بیش از ۵ سال است در گیر جنگی نابرابر از سوی اشغالگران و سعودی و کشورهای دیگر شده دنیا شاهد کشتار ناجوانمردانه زنان و کودکان و غیر نظامیان در بمباران های وحشتناک است. کشوری که تنها جرمش استقلال و آزادی است. هنگامی که نیروهای یمنی برای دفاع و مقابله در برابر دشمنانی که با انبوهی سلاح های آمریکایی و اروپایی بشیرمانه با مردم بی پناه می جنگند برای اولین بار از موشک استفاده نمودند. شوی نیکی هیلی شروع شد مبنی بر اینکه موشک مورد استفاده یمنی ها ساخت ایران است. این شوی مضحک و کنیف جز برای محدود کردن، و تحریم و بهانه تراشی های مضاعف، برای فریبکاری بیشتر و تحریف خبری به نمایش گذاشته می شد و در این میان مزدوری و هیزم کشی فرقه رجوی نیز تماشایی بود. که خوشبختانه اکنون کشور یمن روزانه موشک و آتش بر سر دشمنان خویش می ریزد و محور

مقاومت باج به شغال نمی دهد.

خروج حدود ۴۰۰ عضو از سال ۹۴ تا کنون و افزایش مرگ و میر اعضا بر اثر سکت و سرطان و فشار های عصبی

پس از اخراج اعضای فرقه به کشور آلبانی در همان سال اول حدود ۲۰۰ تن موفق به جدایی و فرار از فرقه شده اند. که سران فرقه با مشاهده چنین وضعیتی به تلاطم افتاده و با ایجاد سخت گیری و شگردهای متعددی تلاش کردند راه خروج اعضای ناراضی را با سختی و موانع زیادی مواجه نمایند. از جمله قطع مستمری، قطع کمک های کمیساریای پناهندگان، تباری با دولت و پلیس آلبانی مبنی بر ایجاد محدودیت، عدم ارائه برگه های هویتی و پاسپورت، عدم اجازه خروج از کشور آلبانی و انواع و اقسام دسیسه های مختلف که متأسفانه دولت جیره خوار آلبانی نیز تا کنون به همدستی با فرقه ادامه می دهد. علیرغم همه سختی ها و اذیت و آزار ولی در سالهای بعد نیز همچنان فرار و جدایی از فرقه ادامه داشته و هر ساله دهها تن جدا می شوند. علاوه بر این بسیاری از اعضای باقیمانده بخاطر گذراندن شرایط سخت در اردوگاه های مختلف اغلب به بیمارهای مختلف لاعلاج دچار شده و آمار مرگ و میر در اردوگاه دوهزار و پانصد نفره بصورت چشمگیری بالاست.

خبرهایی مبنی بر محدود نمودن فعالیت منافقین در فرانسه

در آبان ۹۸ برخی خبر گزارها به نقل از یک وبسایت انگلیسی اعلام کردند دولت فرانسه تصمیم گرفته به حضور ۴۰ ساله گروهک تروریستی منافقین در این کشور پایان دهد. وبسایت «دیسپه آنالین» خبر خود را به نقل از توییتر منتسب به «الکسی کوهلر» (Alexis Kohler) رئیس کارکنان کاخ الیزه اعلام کرد در توییتر منتسب به الکسیس کوهلر ادعا شد که «در نشست ۲۹ اکتبر (۷ آبان) بین امانوئل مکرون و ژان ایو-لودریان (وزیر خارجه فرانسه) تصمیم گرفته شد به حضور ۴۰ ساله اعضای سازمان مجاهین خلق ایران (منافقین) در فرانسه پایان دهند؛ صحت یا عدم صحت این موضوع در هر حال در آینده بیشتر مشخص شد آنطور که بنا به خبرها مریم قجر ماه ها ست در کشور آلبانی مستقر شده و به مانند سابق نمی

تواند تردد زیادی به فرانسه داشته باشد و علیرغم مزدوری و رشوه های فراوان با محدودیت های جدیدی مواجه شده است. هم چنین پایگاه تحلیلی لوبلاگ آمریکا با انتشار مطلبی با عنوان «آیا فرانسه در حال اقدام علیه سازمان مجاهدین خلق است؟» ضمن اشاره به وقایع مرتبط با خبری که اخیراً به نقل از توییتر یک مقام فرانسوی درباره محدودسازی فعالیت های منافقین منتشر و بعداً توسط کاخ الیزه تکذیب شد، نوشت: خبر ایجاد محدودیت برای منافقین در فرانسه «ضرورتاً بی پایه و اساس نیست». در ادامه این مطلب به سابقه گروهک تروریستی منافقین و فعالیت های آن اشاره شده و پس از آن دلایلی درباره تمایل دولت فرانسه به محدودسازی و یا حتی اخراج منافقین از این کشور ارائه شده است. از جمله دلایلی که در این یادداشت به آن اشاره شده، مخالفت دولت فرانسه با برگزاری مراسم سالانه منافقین در فرانسه است که به اعتقاد نویسنده یادداشت انگیزه اصلی دولت فرانسه از این مخالفت، تلاش برای گسترش روابط دیپلماتیک با تهران بوده است.

مسدود کردن حساب افراد جدا شده

اخیراً نیز خبرهایی حاکی از مسدود کردن حساب افراد جدا شده از سازمان منافقین به گوش می رسد. بنا بر اخبار دریافتی افراد جدا شده پس از مراجعه به بانک هایی در آلبانی، توسط کارمندان بانک به آنها گفته شده که به دستور پلیس حساب های شما (افراد جدا شده) مسدود شده است. علت بسته شدن حساب های آنها تباری و هماهنگی سران نابکار فرقه با وزارت کشور آلبانی است که باعث مسدود نمودن حساب بانکی افراد جدا شده از فرقه شده اند. کارمندان بانک ضمن ابراز همدردی گفته اند که مامور هستند و معذور و کاری از دستشان ساخته نیست و دستور پلیس است. اما در حال حاضر با این عمل ددمنشانه و ردیلاته فرقه فشار مضاعفی به اعضا جدا شده وارد می شود که مشخص می کند فرقه تا چه اندازه زبون و پست شده که بخاطر فشار به آنها و هم چنین نسق کشیدن از اعضای ناراضی به آنها نیز بفهماند که در صورت جدا شدن به سختی خواهید افتاد و کسی از شما حمایت نمی کند تا آنها را همچنان در زیر یوغ خود نگه دارد.

جنایتی دیگر از سوی فرقه رجوی در حق اعضای جدا شده در آلبانی



از آلبانی خبری به دستم رسید که خیلی شوکه ام کرد. از دوستانم در آلبانی شنیدم که وقتی به بانک مراجعه می کنند به بهانه اینکه در حال بررسی حساب های سالانه مشتریانشان هستند از پاسخگویی کارمندان بانک متعجب می شوند. چند روز بعد که مجدد به بانک مراجعه می کنند می بینند که بانک به آنها می گوید به دستور پلیس حساب های شما (نفرات جدا شده از فرقه تروریستی رجوی) مسدود شده است.

خلاصه بعد از تلاش های زیاد موفق نمی شوند که صدايشان را به جایی برسانند. معلوم می شود که دستی از پشت پرده در حال سر خط دادن به کارمندان بانک است. بیشتر که ریز می شویم می بینیم فرقه ضد انسانی رجوی در یک هماهنگی ددمنشانه با وزارت کشور آلبانی باعث مسدود شدن حساب بانکی افراد جدا شده از فرقه منحوس رجوی شده است.

رجوی به زعم خویش با این کارش می خواهد که جدا شده ها را به زیر چتر خود کشیده و از آنها بهره کشی نماید و در قدم بعد به مزدوری خودش بکشد. تمام کسانی که از فرقه جدا شده اند می دانند که هر کسی از فرقه بیرون می آید مسئله اول و آخرش پول است. بنابر این برای زیر منگه گذاشتن افراد بهترین کار این است که آنان را با پول اذیت نمایند و یا فشار آورند که آنها به خواسته های پلید رجوی بلی بگویند در حالی که هیچ کسی در آلبانی این حرکت ضد انسانی را قبول نمی کند. کارمندان بانک نیز ضمن ابراز همدردی با نفرات گفته اند که مامور هستند و معذور و از فشاری که بر آنان وارد می شود متأسف هستند ولی کاری از دستشان ساخته نیست و دستور پلیس است. تمام این حرکت های مذبحانه رجوی علیه جدا شده ها به این خاطر است که افراد داخل فرقه را مجبور به باقی ماندن در سازمان نمایند و اجازه ندهند که حتی یک روز هم کسی به فکر جدا شدن بیفتد و اگر به جدا شدن فکر کرد بداند که مسیری جز بدبختی و مرگ برایشان متصور نمی باشد.

خود این افراد را در محصه قرار بدهد که در گذشته نمونه های آن را هم بنده و هم سایر کسانی که متأسفانه سالیانی را در میان این وحوش گذرانده ایم افشاگری کرده ایم. اما این یکی یعنی مسدود کردن حساب بانکی افراد جدا شده چیز جدیدی است و دقیقاً در هماهنگی با وزارت کشور و پلیس فاشیست آلبانی و سران فرقه منحوس رجوی انجام گرفته است. جهت اطلاعاتان اجازه افتتاح این حساب های بانکی توسط وزارت کشور در یکی از بانک های آلبانی به وجود آمده است و به افراد جدا شده این امکان را می داد که خانواده و بستگانشان برای آنها مقداری پول جهت کمک معیشتی بفرستند و یا زمانی که کمیسارها به افراد پول می داد به آن حساب ها می ریخت. متأسفانه با بسته شدن این حساب ها دیگر آن یک ذره آب باریکه ای که امکان حیات به رهایافتگان از بندهای رجوی را می داد دیگر نمی دهد. لذا از تمامی وجدان های بیدار جهانی و بین المللی در خواست داریم که مانع از این وحشی گری های رجوی شوند و اجازه ندهند که این ظالمان به کرامت فرزندان مردم ایران تجاوز کرده و هر غلطی که دلشان می خواهد انجام بدهند.

این تمام آن چیزی است که رجوی تلاش می کند به نفرات اسیر در مناسبات مرگبارش القاء و مستمر وانمود نماید که افراد جدا شده در بیچارگی و بدبختی تمام زندگی می کنند و راهی جز برگشتن به نزد فرقه رجوی ندارند زیرا آنان را هیچ جا راه نمی دهند. میزان شارلاتانیسم رجوی آنقدر زیاد است که تلاش می کند به همگان به ویژه اسیران در بندش اینگونه وانمود کند که آنها خیلی تلاش می کنند به جدا شده ها کمک نمایند ولی دولت آلبانی و سایر دول اروپایی از جدا شدگان فرقه رجوی بیم و هراس دارند و مستمر به سران فرقه رجوی گلائیگی می کنند این وحشی ها دیگر چه کسانی هستند که به جامعه آلبانی و اروپا رها کرده اید؟ من از تمام جدا شده ها محترم معذرت می خواهم که اینگونه بیان می کنم ولی باید ماهیت واقعی و ضد بشری رجوی را افشا کرد تا همگان بدانند در زیر آن بزک کردن های خانم مریم رجوی یک دیو بد سیرت خوابیده است. بله رجوی جنایتکار به محض اینکه یکی از درون مناسباتش جدا شود را به بدترین شکل ممکن تلاش می کند مفتضح نماید و بی آبرویی را نثار آنان نماید. وی در قدم های بعدی تلاش می کند که

کرونا کلیدواژه جنگ رسانه ای فرقه رجوی

فراق: دکتر نواب محمدی

ستودنی است. باید توجه داشت آنچه بنده و امثال بنده (به عنوان یک شهروند عادی غیرمتخصص در عالم پزشکی) به عنوان آمار تخمین میزنیم صرفاً گمانه‌هایی است بر مبنای علائم بالینی و ظاهری در برخی بیماران.

چگونه از نهاد رسمی تخصصی متولی بهداشت در یک کشور توقع می‌رود که در شرایطی که هیچگونه آزمایش رسمی معتبری از بیمار فوت شده وجود ندارد بیماری کرونای وی را تایید کند؟ گرچه بیمار با علائم بالینی مشخص فوت نموده و می‌توان فرض بیماری وی را متصور بود. نکته عجیب ماجرا اینجاست که برخی رسانه‌ها تعداد تلفات را چندصد نفر و حتی بیشتر یا ذکر ارقامی دقیق عنوان می‌کنند حال آنکه قادر به ارائه هیچ مشخصات یا جزئیات مشخص از قربانیان فکت معتبری در اثبات ادعای خود نیستند. متأسفانه کمبود امکانات و بسیاری از مشکلات دیگر در حوزه بهداشت عمومی (به هردلیلی خواه علل خارجی و تحریمها یا علل داخلی) مسائلی هستند که می‌توان بر آنها به صورت جدی انتقاد وارد نمود اما هیچ چیز تأکید نمی‌کند هیچ چیز سبب نمی‌شود که با هرنگرش سیاسی و دیدگاهی نسبت به حاکمیت، در چنین وضعیتهای بحرانی سعی بر تأمین منافع خود داشته باشیم.

تشکیلات رجوی در چنین وضعیتی بار دیگر نگاه منفعت طلبانه و غیرملی خود را به اثبات رساند. تلاش گسترده رسانه ای آلبانی نشینان در سطوح مختلف و به اشکال مختلف اعم از جعل آمار، تخلیه تلفنی، حضور گسترده در توئیتر و سایر شبکه‌های اجتماعی با عناوین فیک دکتر و پرستار و ... جعل صوت منتسب به مقامات بهداشتی و تلاش برای هراس افکنی گسترده اجتماعی دستاوردهای سینه چاکان رجوی در عصر کرونا بوده است. یقیناً چنین اوضاعی بهترین فرصت برای محک و ارزیابی جریانهای مدعی میهن دوستی و خدمت به خلق است.

دست به گریبان اند، بهترین فضا در اختیار جریانات معاند یا برانداز قرار می‌گیرد تا با دامن زدن به این وحشت و هراس عمومی و تشدید احساس سرخوردگی و ناامنی میان شهروندان زمینه‌های لازم برای تقابل جدی میان شهروندان و حاکمیت را فراهم سازند.

شهروندی که چنان در معرض اخبار و اطلاعات مایوس کننده و منفی قرار گرفته که از نظر روانی در آستانه فروپاشی است و امید خود به برون رفت از بحران را از دست داده و هیچ دورنمای مثبت یا امیدوارانه‌ای برای خود و اجتماع خود متصور نیست ابزار مساعدی است برای یک رویارویی خشونت آمیز یا یک اقدام اعتراضی مرگبار در عرصه عمومی.

از ابتدای شروع بحثها و گمانه‌ها در مورد شیوع کروناویروس، جریان رسانه ای رجوی و متحدین شان به صورت هدفمند و برنامه ریزی شده به ارائه آمار و اطلاعات جعلی و فاقد هرگونه سوس معتبر در مورد بیماران کرونایی، تعداد مبتلایان و تلفات آن و کاستی‌ها و نیز بی تفاوتی‌های دولت پرداختند. گمانه‌های بسیاری در باب پنهان کاری دولت و چرایی آن مطرح گردید و هجمه بسیار وسیعی نسبت به دولت با عنوان بی تفاوتی آن و اهمال منتج به شیوع کرونا در سطح رسانه‌ها آغاز گردید. حین نگارش این یادداشت مناقین در کانال رسمی خود آمار کشته‌های کرونا در ایران را حدود ۱۳۰۰ نفر (مقایسه کنید با آمار رسمی دولت که حدود ۱۰۰ نفر عنوان گردیده) و مبتلایان را چندده هزار نفر اعلام کرده‌اند.

بگذارید موضع خودم را نسبت به آمارهای ارائه شده توسط مقامات رسمی اعلام کنم. بنظر حقیر آمار تلفات و نیز مبتلایان به کروناویروس در سطح کشور بیش از آمار اعلامی توسط وزارتخانه بهداشت است اما در این زمینه نمی‌توان کمترین خدشه‌ای به آمار وزارت بهداشت وارد کرد. اتفاقاً برعکس، دقت نظر و سختگیری در ارائه آمار بنظر امری

اختصاصی فراق: چند هفته ای است ویروسی مرگبار به نام «کووید ۱۹» یا کرونا در نقاط مختلف جهان از قربانیان بیگانه خود بدون توجه به ملیت و نژاد و رنگ، پست و مقام و دارایی جان شیرین می‌ستاند. از اول اسفندماه خبر وجود و شیوع این ویروس مهلک توسط نهادهای رسمی کشور اعلام گردید و هشدارهای لازم و درعین حال آموزشی مقتضی در باب رعایت نکات بهداشتی ضروری در چنین شرایط استرس زایی ارائه گردید. مصیبت ناشی از مواجهه با این ویروس مرگبار به یک سوی، جنگ روانی گسترده بویژه در سطح رسانه‌ها و کانال‌های خبری برون مرزی مشکلات را دوچندان و اوضاع را بغرنج تر نموده است. رسانه‌هایی که از قضا در کمین چنین فرصتهایی نشسته و اساساً پول و پشتیبانی برخی دول و نهادهای خاص را برای نقش آفرینی در چنین اوضاعی دریافت می‌دارند واقعیت تلخ آن است که کرونا عملاً باعث ایجاد وضعیت قرمز یا بحرانی در بسیاری مناطق ایران گردیده است. همچنانکه در حدود ۸۰ کشور دیگر دنیا هم کامیاب سبب چنین بلبشویی گردیده است. در چنین اوضاع خطیری تحت شرایطی خاص حتی امنیت ملی یک دولت قدرتمند مستقر نیز می‌تواند در معرض مخاطرات جدی قرار گیرد. اساساً پدیده‌های طبیعی یا اتفاقی همچون زلزله، سیل یا شیوع یک بیماری اپیدمیک می‌تواند مستقیماً بر امنیت ملی کشورها اثرگذار بوده یا آن را تا حدودی دستخوش تهدیدات نماید. لذا در چنین مواردی توجه به مؤلفه امنیت عمومی و مواجهه با مخاطرات احتمالی در زمره وظایف مسئولین امر می‌باشد. به بیانی ساده تر در چنین موادی که جامعه با شوک عظیم ناشی از یک حادثه ناگهانی و غیرمترقبه یا غیرقابل کنترل مواجه می‌شود و اکثریت اجتماع با وحشت ناشی از ابتلای به بیماری یا مرگ جمعی در نتیجه ناتوانی دولت و نهادهای ذیربط در حفاظت از شهروندان و کنترل اوضاع

در همایش مادران قربانیان فراموش شده در تبریز عنوان شد

مادران اسیران فرقه رجوی تا آزادی همه فرزندان از پای نخواهند نشست

گزارش از: فرید



هرگز تن به این جدائی ظالمانه فرقه رجوی نخواهیم داد، به کوری چشم رجوی تمام تلاش خود را برای آزادی همه ی فرزندانم به کار خواهیم بست.

خانم عبدالهی در قسمتی از برنامه، یادواره ای از خانواده ها در پشت دیوار های اشرف را به نمایش گذاشتند که حاضرین را به وجد آورده و خاطرات شیرین و تلخ بسیاری را برای حاضران رقم زدند. نشان دادن عکس تنها پسر خانم عبدالهی، امیراصلان حسن زاده بود که سالهاست در چنگال فرقه رجوی در اسارتی سنگین و سیاه است، خانواده ها را دچار رقت قلب کرد. در تبریز، همت و غیرت مادرانی را دیدیم که پادگان اشرف در عراق را در هم شکستند و اکنون نیز با عزمی جزم به دنبال سقوط کامل قلعه رجوی در آلبانی و زندان مانز بوده و این تلاش بی شک آزادی تمام فرزندان این مادران را رقم خواهد زد.

انجمن نجات مرکز آذربایجان شرقی

مادری، به فرزندش امیر اصلان حسن زاده و هم زنجیران او دانست و تاکید کرد تا آزادی همه فرزندان این مادران از پا ننشسته و امیراصلان آخرین فرزندی خواهد بود که از فرقه به همت خانواده ها آزاد خواهد شد. در شروع مراسم خانم عبدالهی، ضمن خوش آمد گوئی به همه مادران و خواهران، اسرای گرفتار در چنگ مجاهدین، مادران و خواهران را به ایستادگی و تداوم سماجت و مداومت بیشتر در مسیر آزادی فرزندان خود فرا خواند. مراسم به قدری احساسی و شورانگیز شده بود که تعدادی از مادران در حین برنامه اشک ریخته و خانم عبدالهی هم ضمن قطع برنامه همراه آنان، اشک ریختند. مسئول تشکیل مادران این نوید را به همه مادران داد که مسیر پرشکوه عزم برای آزادی فرزندانمان بی وقفه ادامه خواهد داشت و هر مانعی را در این راه به هیچ خواهیم شمرد. وی گفت، این کمترین حق یک مادر است که با فرزند خود ارتباط برقرار کرده و

همایش مادران، قربانیان فراموش شده طی دو روز در تبریز برگزار شد. این همایش با حضور خانم ثریا عبدالهی و آقای بخشعلی عزیززاده از مسئولین این تشکل و نیز با همکاری مسئولین انجمن نجات استان آذربایجان شرقی برگزار گردید. هیأتی از افراد خیره از طرف انجمن نجات تهران نیز ایشان را در این سفر و همایش همراهی می کردند. از همان ابتدای مراسم خانواده هایی که در عراق با خانم عبدالهی در تلاشی چند ساله و پر ثمر همراه بودند از شنیدن خبر حضور خانم عبدالهی با شور و شوقی وصف ناپذیر به سالن همایش وارد می شدند. تعدادی از مادران رنج کشیده بدون توجه به نظم جلسه با مسئول تشکیل مادران به روبروسی و دیده بوسی پرداخته و خاطرات چندین ساله رنج و شکنج خود را در پشت دیوار های اشرف برای همدیگر نقل می کردند. خانم عبدالهی هم ضمن همدردی با مادران، اصلی ترین وظیفه خود را ادای دین

مدیر عامل انجمن نجات ایران خطاب به وجدان های بیدار بشری: کسی هست برای التیام دردهای مادران و پدران سالخورده حرفی داشته باشد؟

ابراهیم خداینده - مدیر عامل انجمن نجات

هویت فردی در شرایط بسیار بدی در آلبانی به سر می برند. کمیساریا و وزارت کشور دولت آلبانی هیچ قدمی برای آنان بر نمی دارند چرا که از اساس وجود آنان را به صفت فردی به رسمیت نمی شناسند و آنان را به صورت گروهی و سازمانی پذیرفته اند. این افراد به لحاظ صنفی و مالی مجبورند همچنان به مجاهدین خلق وابسته باشند و البته آنان پول ماهیانه شان را صرفا به شرط عدم افزایش نقض حقوق بشر در داخل مناسبات سازمان و همچنین جنایت ها و خیانت هایی که این سازمان انجام داده است می پردازند و به هر نحو ممکن آزادی عمل آنان را می گیرند و حتی آنان را وادار به جاسوسی می نمایند. آیا در میان این همه سازمان های عریض و طویل بین المللی و حقوق بشری کسی هست که توجه کوچکی به این مقوله نقض فاحش حقوق انسانی بنماید؟ آیا کسی هست که برای التیام دردهای این مادران و پدران سالخورده حرفی برای گفتن داشته باشد؟ آیا جدا از سیاست های بین المللی و اشتراک منافع یا تضاد منافع طرف های مختلف، بحث دیگری هم می تواند این میان مطرح باشد؟ بی صبرانه منتظر پاسخ شما هستم و پیشاپیش از توجهات شما تشکر می کنم.

بعدا مشخص شد که این جابجایی بر اساس قوانین پناهندگی ملل متحد که افراد باید به صورت فردی پناهنده شوند صورت نپذیرفته بلکه به صورت سازمانی و صرفا در ارتباط با رهبران مجاهدین خلق انجام گرفته است. در نتیجه این افراد فاقد موقعیت قانونی بوده و بی وطن به حساب می آیند. سازمان مجاهدین خلق مانند یک فرقه مخرب کنترل ذهن عمل می نماید این سازمان عشق، خروج از فرقه، ارتباط با بیرون خصوصا دوستان و خانواده، داشتن زندگی و افکار شخصی، انتقاد به رهبر فرقه و بسیاری دیگر از حقوق پایه ای انسانی را برای اعضای خود ممنوع کرده است. من هزاران نامه از خانواده های این اعضا دریافت کرده ام که صرفا خواهان یک ارتباط ساده با عزیزان گرفتار خود در داخل این فرقه می باشند. رهبران فرقه ده ها سال است که چنین اجازه ای را نمی دهند و دولت آلبانی و دیگر ارگان های ذی ربط هم هیچگونه همکاری نشان نمی دهد. من در پاسخ به این خانواده ها چه باید بگویم و چه جویی باید بدهم؟ تعداد قابل توجهی از این افراد از این سازمان جدا شده اند که به دلیل وضعیت مبهم قانونی خود و نداشتن برگه های

نامه ای از جانب مدیر عامل انجمن نجات کشور خطاب به وجدان های بیدار بشری تنظیم گردید که برای سازمان های بین المللی و حقوق بشری از جمله نهادهای مختلف ملل متحد، صلیب سرخ جهانی، عفو بین الملل، دیدبان حقوق بشر، ارگان های مختلف اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا و همچنین رسانه های بین المللی ارسال گردید. متن نامه به شرح زیر است:

خطاب به وجدان های بیدار بشری

مایلم از جانب هزاران تن از خانواده های دردمند و رنج کشیده اعضای سازمان مجاهدین خلق مستقر در اردوگاهی بسته و دورافتاده در آلبانی شما را در جریان موارد نقض فاحش اولیه ترین حقوق انسانی در خصوص این سازمان قرار دهم و از شما طلب یاری نمایم. سازمان مجاهدین خلق در سال ۲۰۱۶ انتقال اعضای خود از عراق به آلبانی را تکمیل نمود. این جابجایی به صورت گروهی تحت توافق صورت گرفته در ژنو میان دولت ایالات متحده آمریکا، دولت جمهوری آلبانی، کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان و سازمان مجاهدین خلق انجام شد. قرار بر این شد که کمیساریا مسئولیت انتقال و آمریکا هزینه آنرا بر عهده بگیرند.

به مناسبت سالگرد تأسیس تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده»

مادران اسیران فرقه رجوی، قربانیانی که فراموش شدند

گذشته به شرح حال تعدادی از قربانیان در فرقه رجوی پرداخته و سعی کردند تا گوشه ای از درد و رنج خانواده ها و اسرای در بند را نمایان سازند و در حد توان، فریاد در گلو نهفته مادران و پدران و خانواده ها باشند.

در خصوص تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده» در یک سال گذشته فعالیت های بسیار اساسی انجام شد که امیدواریم مسئول محترم این تشکل، یعنی سرکار خانم عبدالهی گرامی گزارشی تهیه کرده و به اطلاع خانواده های عزیز برسانند. آرزوی موفقیت برای این تشکل و دست اندر کاران آن داریم.



گردیده است. متأسفانه مادران اعضای فرقه ها، از جمله مادران اعضای فرقه رجوی، قربانیانی هستند که تاکنون فریادشان به گوش جهانیان نرسیده و به حق در این خصوص فراموش شده اند. سایت فراق و سایت انجمن نجات از

فراق: سال گذشته در ۷ اسفند ۹۷، آغاز فعالیت تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده» را اعلام داشتیم که همزمان با میلاد با سعادت ام الائمه حضرت فاطمه زهرا (س) ثبت شد. با کمال مسرت و افتخار سالگرد شروع فعالیت تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده» را گرامی می دارم. سال هاست که فرقه رجوی مانع از ارتباط اسرای خود که در اردوگاه مرگ رجوی گرفتار هستند با خانواده هایشان شده که این موضوع، نقض آشکار ابتدایی ترین حقوق انسانی است و به همین دلیل رنج و درد بسیاری نصیب خانواده ها به خصوص مادران

انقلاب ایدئولوژیک، مضمّن کننده ترین تحول در درون فرقه رجوی

انجمن نجات استان اردبیل - دکتر نواب محمدی



آنچه که سران فرقه از آن به عنوان انقلاب ایدئولوژیک یاد می کنند در واقع اشاره به دو مقطع زمانی در دهه ۱۳۶۰ دارد که طی آن همه چیز برای رهبری فرقه مباح و قابل پذیرش می گردد و برای اعضا ممنوعیت و محدودیت های شدید حتی در خصوصی ترین لایه های زندگی فیزیکی و فکری یک انسان را به دنبال دارد و البته این روند کماکان بر زندگی اعضا حاکم است.

به نظر نگارنده این مناسبات جدید در عین ماهیت خاص و غیرعادی خود از ابعاد مختلف قابل بررسی است. به ویژه از دو منظر تعیین تکلیف برای مسائل جنسی و جنسیتی اعضا و ایجاد نظامی از بردگی و استثمار جسمی و روحی افراد ناشی از میل به خودکامگی و استبداد عریان شخص رجوی. این دو بُعد ماجرا متقابلاً بر روی هم اثرگذار بوده و رجوی کاملاً عامدانه اقدام به طراحی و ترویج نظامی فکری نمود که هدف آن استثمار و کنترل کنش و اندیشه اعضای فرقه خود بود به گونه ای که فرد به چنان درجه ای از فروپاشی شخصیتی و روانی میرسد که عملاً به موجودی خنثی و فاقد هر اختیاری بدل می گردد و فقط منتظر اوامر و نواهی مافوق خود می ماند؛ سمعا و طاعتاً. گام اول انقلاب ایدئولوژیک رجوی در سال ۱۳۶۴ و متعاقب ازدواج وی با مریم (همسر چندروز قبلتر ابریشمچی یکی از اعضای کادر رهبری فرقه) رخ داد که رهبری فرقه سعی نمود به این رویداد غیراخلاقی و غیرعرفی اندکی قدسیت و معنویت بیفزاید! امری که به هیچ وجه با قواعد شریعت اسلام (که رجوی دستکم در شعار مدعی پایبندی به

فراق: سازمان مجاهدین خلق در طول حیات ۵۵ ساله خود در معرض دگرگونی ها و تحولات عمیق (در وجه منفی) و در عین حال عجیب و غریبی بوده است که بر الگوی رفتاری این تشکیلات، نحوه اداره و عملکرد مقامات آن، شیوه زندگی اعضا، تصمیم سازی ها و در نهایت تغییر قالب و چهره آن به یک فرقه سیاسی تمام عیار موثر بوده است.

اقدامات مسلحانه و نتیجتاً دستگیری و مجازات گسترده کادر رهبری سازمان پیش از انقلاب، انشعاب درونی سازمان و تنش های جدی اسلامگرایان و مارکسیست ها، بروز اختلافات جدی با سران انقلاب و تصمیم به رویارویی نظامی و ترورهای گسترده، مشارکت در جنگ صدام علیه ایران و ورود به فاز ایجاد تنش های سیاسی در اتحاد با دشمنان خارجی منطقه ای و جهانی از آن جمله اند.

اما بلا تردید مضحک ترین، عجیب ترین و در عین حال مضمّن کننده ترین تحولات در درون تشکیلات فرقه ای رجوی و تحت عنوان پرطمطراق «انقلاب ایدئولوژیک» رخ داده است. تحولی که در عین ماهیت ضدانسانی، زورگویانه و استثمارگری آن واجد جنبه های کمیک و طنزگونه است. حقیقتاً نگاشتن از این رویدادی که رجوی از آن به انقلاب ایدئولوژیک یاد کرده و سعی بر تئوریزه کردن و تقدس زایی برای آن نمود دشوار است البته از جهت ابعاد ماجرا و تفصیلی که می توان بر آن نگاشت و از سویی رعایت حوصله مخاطب و فضای اندک نگارش.

کافیست اندکی بر مبانی و اصول انقلاب ایدئولوژیک رجوی تامل نمود تا به این نتیجه رسید که این انقلاب عظیم! از دیدگاه سرکرده یک فرقه در واقع چیزی نیست جز خزعبلاتی زاییده ذهنی بیمار، مستبد و استثمارگر، شدیدا جنسی و جنسیت زده. و باید تأسف خورد به حال کسانی که از سر اجبار یا به هر دلیل دیگر عنان زندگی و آزادی و اندیشه خود را از کف داده و عمر و زندگی خود را وقف لاطاللات چنین رهبر مستبد و بیماری نمودند.

آن بود) سازگاری نداشت. گام دوم نیز چهار سال بعد و با ایجاد محدودیتهای شدید بر زندگی خصوصی اعضا و الزام آن به ترک عواطف و زن و فرزند بدیهی ترین نیازهای جسمی و روانی خود برداشته شده واقع با وجود تأکید بر مضحک بودن مبانی انقلاب ایدئولوژیک رجوی اما نمی توان منکر زیرکی و توانایی او (با به تعبیر عامیانه و دقیقتر پدرسوختگی او) در ایجاد مجموعه ای مطیع و فرمانبردار بود که بتواند عطش سیری ناپذیر قدرت طلبی و استبداد وی را تا حدود زیادی رفع کند. (مصاحبه اخیر مسعود خدابخنده از جدانشدگان فرقه رجوی) که به روشنی بیان می دارند که کتاب های روانشناسی با محوریت شستشوی مغزی از آمریکا برای رجوی ارسال و پس از ترجمه در اختیار وی قرار می گرفت بهترین گواه بر هدفمند بودن اینگونه اقدامات اوست).

بدین منظور و با توجه به اینکه انقلاب ایدئولوژیک فرقه رجوی یک واقعیت آشکار و غیرقابل انکاری است که حتی اخیراً برخی رسانه های غربی نیز به بررسی آن پرداخته اند (منجمله مستند چندماهه پیش بی بی سی فارسی در مورد ممنوعیت روابط جنسی در میان اعضای فرقه) تلاش می گردد تا در سلسله نوشتاری بر این پدیده از دو منظر: نگرش جنسی و جنسیتی رجوی و تحقیر و نابودی شخصیتی و روحی افراد تا سرحد تبدیل آنان به موجوداتی منفعل و مطیع برای استمرار تسلط رجوی بر آنان و بعنوان بهترین گواه بر ماهیت فرقه ای مجاهدین خلق پرداخته شود. شک یادآوری این موضوعات و تلاش بر شناساندن ماهیت واقعی این تشکیلات فرقه ای به ویژه در سطح رسانه ای، دستکم بر نگرش افکار عمومی جهانی نسبت به این فرقه موثر خواهد بود. به ویژه در میان آن دسته گروههایی که تشکیلات را یک اپوزیسیون سیاسی دمکراتیک و منادی حقوق بشر می پندارند.

پشت پرده های دیدار مرموز «هوک» با فرقه رجوی

علی رحمانی

مقاومت تقویت کند. لکن با وجود تمام این برنامه‌ریزی‌ها تلاش برای ایجاد یک جبهه سیاسی واحد متشکل از منافقین و نومحافظه‌کاران در دراز مدت محکوم به شکست است، به دلیل این که:

ایران در طول ۴۱ سال تجربه تاریخی خود اثبات کرده است که قدرتش نه وابسته به اشخاص و یا برخی جریان‌های خاص بلکه متکی به قدرت نرم برخاسته از درون ملت‌های منطقه است، عاملی که تلاش برای تقویت موج ترور در غرب آسیا و ایران را با توسل به ایجاد رابطه بین یک جناح سیاسی و مشتکی تروریست خود فروخته عقیم می‌سازد. در واقع آمریکا با پیروی از دکترین امنیت وابسته به ترور اسرائیل و دوستانش امواجی را به نفع ایران و محور مقاومت در منطقه ایجاد می‌کند که می‌تواند از خون هر شهید درختی تناور بسازد همچنان که در ماجرای ترور حاج قاسم سلیمانی شاهد آن بودیم. منافقین نیز در طول تاریخ خونین و پر فراز و نشیب خود نشان دادند که کمتر از آن قابل اعتماد هستند که بتوان به آنها به عنوان عضوی از یک ائتلاف سیاسی امید بست. نارو زدن به ربع پهلوی و یا هدایت‌الله متین‌دفتری در تشکیلات موسوم به شورای ملی مقاومت و برپایی یک دیکتاتوری تمام عیار در این شورای خود ساخته می‌تواند نمونه خوبی باشد از دیکتاتورمآبی رجوی که به شکست یک ائتلاف سیاسی انجامید.

واکنش ایران به ترور مظلومانه سردار مقاومت و یار دیرینه اش ابومهدی المهندس و حمله مقتدرانه به عین‌الأسد آن قدر نومحافظه‌کاران کاخ سفید را محتاط کرده است که بی‌گدار به آب نزنند و با خرج کردن پول اضافی آبروی خود را نبرند. پس می‌توان گفت ایجاد ائتلاف بین گروه اقدام ایران و منافقین بیشتر به بازی‌های سیاسی و اقدامات بی‌خاصیت به ظاهر حقوق‌بشری محدود می‌شود و هیچ‌گاه به یک اقدام عملی مؤثر نخواهد انجامید.

که هم رجوی و هم هوک رهبران دو جریان تروریست و رواج‌دهندگان وحشی‌گری و خشونت در اقصی نقاط جهان هستند. بهترین شاهد مثال برای گفته ما تهدید سردار اسماعیل قالی به ترور توسط این سیاستمدار نوکیسه آمریکایی است.

عصر دیگری که نقشی غیرقابل انکار اما پنهان در این رابطه دارد رژیم صهیونیستی است. نباید این نکته را از نظر دور داشت که صهیونیستها و سازمانهای هوادار پر نفوذشان در فرایند ترقی کردن نولیبرال‌های حامی خشونت مانند هوک در هرم قدرت کاخ سفید نقشی اساسی ایفا می‌کنند و این در واقع نتانیاهو و دوستانش در گروه حامیان جنگ در اسرائیل هستند که سیاست خارجی تروریستی جدید آمریکا را هدایت می‌کنند، چرا که طبق برآورد خود صهیونیستها در یکی از آخرین کنفرانسهای موسوم به هرزلیا) کنفرانس امنیت ملی رژیم صهیونیستی که به طور منظم و سالانه برگزار می‌شود) «نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خطرناک‌ترین عامل تهدید امنیت ملی اسرائیل است» با این حساب می‌توان هم نقش انکارناپذیر اسرائیل در ترور ناجوانمردانه سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی را در نظر گرفت و هم نقش این جرثومه فساد را در سناریوی نزدیکی میان هوک و منافقین جست‌وجو نمود. به نوشته بنیاد هابیلیان، از منظر یک نگاه حقیقت‌جو مهم‌ترین عامل پیوند نامیمون منافقین و نوکیسه‌هایی مانند هوک دوستی بی‌قید و شرط هر دو آنها با دولت نژادپرست و تروریست اسرائیل است. زیرا با برقراری چنین دیدارهایی میان سران منافقین و دارودسته نومحافظه‌کاران آمریکایی، اسرائیل می‌تواند هم از منافقین به عنوان یک ابزار فشار بر روی کاخ سفید یا به عبارت ساده‌تر شعبه‌ای دیگر از لابی خود در مرکز تصمیم‌گیری آمریکا استفاده کند و هم می‌تواند با ایجاد ائتلاف میان تروریستها موضع خود را در خاورمیانه در برابر ایران اسلامی و محور

شاید بتوان گفت انتشار خبر دیدار برایان هوک رئیس گروه اقدام ایران در وزارت خارجه آمریکا با سران گروه معلوم الحال منافقین چندان دور از انتظار نبود و می‌شد پیش از این پیش‌بینی کرد که مریم رجوی در ساختار وزارت خارجه آمریکا به دنبال مهره‌ای جوان‌تر از بولتون برای تقویت خیمه شب‌بازی‌های گوناگون خود بگردد اما مطلبی که در این خصوص جلب نظر می‌کند این است که چرا منافقین در میان این همه سیاستمدار جوان نولیبرال آمریکایی به سراغ هوک رفته‌اند؟ به احتمال زیاد بتوان در ادامه و با یک نگاه کوتاه به گذشته دلایل این انتخاب مرموز را دریافت:

از سابقه برایان هوک کاملاً پیداست که وی دست پرورده و شاگرد خلف جان بولتون است. انجام یک ارزیابی سطحی از موضع‌گیری‌های خصمانه هوک علیه جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده نزدیکی تفکرات این دو به یکدیگر است تا حدی که می‌توان با قاطعیت گفت برایان هوک نسخه‌ای دیگر از جان بولتون است. بنابراین منافقین و در رأس آنها مریم رجوی با کنار گذاشتن یک سیاستمدار پیر و بازنشسته به سراغ هوک جوان رفته است تا ضمن حفظ مواضع خصمانه خود علیه ملت و دولت ایران دوستی تازه در وزارت خارجه برای خود دست و پا کند. علاوه بر مورد فوق می‌توان این مسئله را در نظر گرفت که منافقین برای فرار از طعنه‌های متعددی که از سوی جدانشدگان از فرقه و افکار عمومی ایران و جهان در خصوص تمسک به سیاستمداران دست دوم و وامانده از غافله سیاست دریافت می‌کرد در یک چرخش قابل پیش‌بینی خود را به هوک نزدیک کرد.

یگانگی اهدافی که منافقین و آقای هوک به عنوان رهبر اصلی گروه موسوم به اقدام ایران دنبال می‌کنند عنصری است که بیش از پیش این دو را به یکدیگر نزدیک می‌سازد. ناگفته نماند که نباید در این بین از نقش تعیین‌کننده عنصر تروریسم غفلت کرد که در حقیقت عامل اصلی جوش دادن معامله بین این دو است. چرا

دبیرکل بنیاد هابیلیان

معلمان باید جوانان را از هجمه فرقه در فضای مجازی مطلع کنند



دبیرکل بنیاد هابیلیان گفت: معلمان باید جوانان را از هجمه فضای مجازی و خوراک فکری منافقین مطلع کنند. به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق به نقل از هابیلیان، «سیدمحمدجواد هاشمی نژاد» ۱۷ بهمن ماه در همایش «معلم، ولایتمداری و انتخاب صحیح» در همدان، اظهار داشت: معلمان باید جوانان را از هجمه فضای مجازی و خوراک فکری منافقین مطلع کنند و اگر این موضوعات موشکافی نشود، ممکن است در دام دشمنان گرفتار شوند؛ زیرا اقدامات منافقین برای ناآگاهان است. وی با اشاره به تصمیم‌گیری آمریکا در خصوص ارائه خوراک فکری از سوی منافقین به جوانان این مرز و بوم گفت: یک هزار و ۵۰۰ نفر از منافقین و در هر شیفت ۵۰۰ نفر روزانه در هشت ساعت کاری برای تولیدات مجازی علیه ملت ایران آن هم بدون آرم و مشخصات فعالیت دارند که اگر خط فکری آنها را نشناسیم، دچار مشکل خواهیم شد. دبیرکل بنیاد هابیلیان با بیان اینکه اگر ایمان در جوانان شکل گیرد، می‌تواند معجزه کند، از عیان بودن ایمان در دفاع مقدس سخن به میان آورد و افزود: مردم با توکل به خدا و ولایت‌مداری توانستند تمام برنامه‌های دشمن را نقش بر آب کنند. وی به ترورهای انجام شده در کشور طی ۴۰ سال اخیر اشاره کرد و گفت: حملات تروریستی یکی دیگر از توطئه‌های دشمن بود

به طوری که در کشور تاکنون ۱۷ هزار شهید ترور توسط ۳۵ گروه تروریستی ثبت شده است. دبیرکل بنیاد هابیلیان با بیان اینکه از روز نخست پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ترور داشتیم تا این اواخر که شهید سلیمانی ترور شد، افزود: در حوادث تروریستی که در کشور ما رخ داد اغلب مردم عادی در کنار مقامات به شهادت رسیدند که این مسئله را در جایی دیگر نمی‌توان دید. وی با تأکید بر اینکه فرقه منافقین بیشترین ترور را انجام دادند و مورد حمایت کشورهای غربی و آمریکا بودند، بیان کرد: سال ۹۷ آمریکا تصمیم می‌گیرد گروه منافقین را در لیست خود قرار دهد، وزارت خارجه به صراحت می‌گوید این گروه بسیاری از مقامات و مردم ایران را ترور کرده و مردم از آن متنفر هستند، اما آمریکا با وجود این موضوع در نزدیکی کاخ سفید دفتری را به این گروه اختصاص داده است. دبیرکل بنیاد هابیلیان با بیان اینکه نسل جوان ما آنچه در دهه ۶۰ بر کشور ما گذشت را نمی‌دانند، تصریح کرد: در دهه ۶۰ شاید یک روز یکصد ترور هم داشتیم اما برخی جوانان ما هنوز آن روی دشمنان را نمی‌شناسند، نباید بگذاریم دشمن از فرصت عدم آگاهی جوانان علیه ما اقداماتی انجام دهد. وی از آزادی عمل منافقین در کشورهای غربی و آمریکا سخن گفت و افزود: آزادی عمل اینها در کشورهای غربی به

حدی است که تعجب‌آور است، آزادی و اختیارات آنها به حدی است که استخبارات عراق در دوران جنگ تحمیلی نداشت و کاملاً دست آنها باز است. هاشمی نژاد موضوع مشکلات هسته‌ای کشور را نتیجه جاسوسی‌هایی دانست که از کشور شده بود و افزود: جاسوسان و منافقین این خدمت را به آمریکا کردند، بدون اینکه کسی متوجه شود؛ بنابراین ضرباتی که از داخل و خیانت آنها می‌خوریم، بسیار بیشتر از خارج است.

وی با اشاره به ترور و شهادت چهار دانشمند هسته‌ای اضافه کرد: این ترورها بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ بود که دشمنان به صراحت اعلام کردند ترور دانشمندان هسته‌ای ایران در همکاری تنگاتنگ گروه‌های تروریستی و موساد در اسرائیل، سیا در آمریکا و منافقین بود.

وی با تأکید بر اینکه دست جوانان ما در دست معلمان است و باید کاری کنیم از توطئه دشمنان در امان باشند، افزود: طرح تحریم بانکی و نفتی ما هفت سال قبل از آمریکا توسط منافقین علیه ملت ایران کلید زده شد؛ چون معتقد بودند باید ملت ایران در تحریم باشند تا کشورشان را تحت فشار قرار دهند.

هاشمی نژاد با بیان اینکه باید نقشه دشمنان را بشناسیم و مردم را مطلع کنیم، نقش معلمان را در این زمینه مهم قلمداد کرد.

مقامات آلبانی باید علت حمایت از تروریسم را بگویند

محمدی

خوب است مقامات آلبانی به جای آنکه ندای اعلام ماندن در کنار آمریکایی ها برای مقابله با تروریسم سر دهند به این تناقض رفتاری خود پاسخ دهند که چرا از فرقه رجوی که یکی از بزرگترین گروه های تروریستی نه تنها ضد حکومتی که ضد بشری دنیا محسوب می شود جان پناه داده و از آنان حمایت کنند.

به عنوان یک شهروند ایرانی از جناب نخست وزیر آلبانی می خواهم به عنوان یک سیاستمدار از گروه رانده شده ای که سالهاست اجازه داده در خاک کشورش سکنی گزیده اند بپرسند رهبرشان کجاست و به چه علت سالهاست از حضور در مجامع و حتی در جمع نیرو های خود ندارد او که ادعا می کند مدافع خلق قهرمان است پس چرا این همه ترس و واهمه از آشکار شدن خود دارد، شاید هم هر روز و هر لحظه کابوس ۱۷ هزار ترور خلق قهرمان او را رها نمی کند.

کشور شما خزیده اند دستشان به خون بیش از ۱۷ هزار ایرانی بی گناه آلوده است و از ترس و خشم ملت خود، از کشورشان گریخته و پس از آوارگی چندین دهه به ناچار به کشور شما پناه برده اند؟ از نخست وزیر آلبانی و دیگر مقامات این کشور می پرسم آیا خبر دارید که بیشتر اعضای گروه رانده شده ای که به نام «مجاهدین خلق ایران» به سرزمین شما پناه برده اند، به طرق گوناگون پس از ربوده شدن یا اغفال شدن توسط دم و دستگاه رجوی، به عضویت آن گروه در آمده و دهه هاست از خانواده و نزدیکان خود بی خبرند و اجازه ارتباط با دنیای آزاد و یا خانواده خود ندارد، مبدا حقایق تلخ داخل فرقه به بیرون درز پیدا کند: از مقامات دولت آلبانی می پرسم آیا این گروهی که خود را مجاهد خلق می نامد در دوران هشت سال جنگ که عراق آن را به ایران تحمیل کرد، می دانید دوشادوش دشمن بر علیه ملت ایران جنگید؟

فراق: اخیرا نخست وزیر آلبانی و مقامات این کشور با اشاره به ترور سردار ملی، شهید قاسم سلیمانی توسط ایالات متحده آمریکا، از فعالیت های حکومت ایران به عنوان خطری علیه دنیای آزاد نام برده و به عنوان متحدی در کنار آمریکا سوگند یاد کرده اند. این نوع اظهار نظر و به قولی بی گذار به آب زدن ها، پیش از آنکه نشان از جانبداری سران آلبانی از واقعیت های امروز دنیای سیاست داشته باشد بیشتر بیانگر عدم اطلاع آنان از ماهیت و سرشت بنیان و باعشان ترور و خشونت و حامیان گروه های تروریستی است چرا که اگر غیر از این بود بدون شک امروز شاهد جولان تروریست های دم و دستگاه رجوی در خاک آلبانی نبودیم.

چه به عنوان خانواده یکی از اسیران گرفتار شده در دستگاه مغز شویی رجوی و فراتر از آن به عنوان شهروندی ایرانی، از نخست وزیر آلبانی می پرسم آیا خبر دارید فرقه رانده شده ای که سالهاست در سوراخ سمبه های خاک

«منافق» درست ترین لقبی که رجوی گرفته است

صالحی - انجمن نجات مرکز مازندران

پهلوی نمودند.
اما برای نشان دادن دورویی و ریاکاری آنها بخشی از اطلاعیه ای که رجوی به اسم سازمان درباره ترور شهید مطهری صادر نمود را در زیر ملاحظه می کنید. در تصویر اطلاعیه شهادت استاد



مطهری «ضایعه» و ترور ایشان را «در خدمت ارتجاع و تقویت امپریالیسم آمریکا» خواندند. حال اینکه چگونه یک نفر هم می تواند در خدمت شاه و امپریالیسم باشد و هم به شهادت رساندنش «در خدمت ارتجاع و تقویت امپریالیسم آمریکا» فقط از ذات پلید رجوی ها تراوش می کند.

حالی که هزاران کیلومتر دور از میهن به جاسوسی برای دار و دسته ترامپ و مزدوری برای نتانیاهو و سعودی مشغول هستند، برای خدشه دار کردن چهره انقلابیون اصیل، به روش همیشگی خود یعنی ترور شخصیت پرداخته و علیه استاد مطهری مطلب نوشتند و با وقاحت ایشان را متهم به حمایت از رژیم

بی گمان یکی از درست ترین القابی که رجوی گرفته لقب «منافق» است. چرا که هیچ اقدام و حرف او را نمی توان در دو مقطع همانند هم یافت که مثال های آن بی شمار است.

از امپریالیسم خواندن آمریکا تا شعارهای مرگ بر امپریالیسم و بعد جاسوسی کردن برای آمریکا، از ادعای جنگیدن در کنار فلسطینیان بر علیه اسرائیل تا همسو شدن با جنایتکارترین جناح های اسرائیل و نتانیاهو، از ادعای جنگیدن با دولت متجاوز صدام تا مزدوری برای او به عنوان ارتش خصوصی، از متهم کردن مقامات ایرانی به اینکه در خط آمریکا حرکت می کنند تا درخواست از آمریکا برای تحریم مقامات و مردم ایران و... و...

و این داستان هر روز بیشتر می شود. در آخرین نمونه رجوی ها در حضيض ذلت، در

کمپین جوامع ایرانیان مقیم خارج از کشور علیه جنایت های فرقه رجوی



جمعی از ایرانیان مقیم اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و آسیا با تشکیل یک کمپین، درباره وضعیت جدانشده های فرقه رجوی اعلام نگرانی کردند. به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، تشکیل دهنده های این کمپین همچنین در یک نامه سرگشاده به ریاست کمیساری عالی پناهندگان ملل متحد خواستار تأمین حقوق اولیه زندگی و امنیت این پناهجویان ایرانی در کشور آلبانی شدند. متن این نامه سرگشاده را در زیر می خوانید:

جناب آقای فلیپو گراندی ریاست محترم کمیساری عالی پناهندگان ملل متحد-ژنو

با درود؛ ما جوامع ایرانیان مقیم خارج از کشور با نگرانی تمام وضعیت وخامت بار زندگی ایرانیان جدا شده از سازمان مجاهدین خلق ایران (MEK) در کشور آلبانی را دنبال می کنیم. بعد از انتقال این ایرانیان پناهجو از عراق به کشور آلبانی که با همکاری کمیساری عالی پناهندگان ملل متحد (UNHCR) برای حفظ امنیت جانی آنان صورت گرفت، قرار بود طبق توافق سه جانبه بین آمریکا و دولت آلبانی و سازمان مجاهدین به این پناهجویان با کمک و همیاری کمیساری عالی پناهندگان امکانات زندگی آزاد و ادغام در جامعه آلبانی داده شود؛ ولی بعداً در زد و بند بین سازمان مجاهدین و بخشهایی از دولت آلبانی این توافق اولیه نقض شد و تمام اختیارات در رابطه با این انتقال و افراد منتقل شده و زندگی آنان در آلبانی به سازمان مجاهدین محول گردید و در نتیجه باردیگر همانند زمان حضور آنها در عراق این افراد توسط رهبران سازمان تحت کنترل و محدودیتهای کامل ارتباطی و حتی در زندگی فردی شان قرار گرفتند بطوریکه حق و امکان هیچگونه تماس و ارتباط و دیدار با خانواده هایشان در ایران و کشورهای دیگر و حتی

امضاگیری فریبکارانه از او مبنی بر ترک داوطلبانه خاک آلبانی بوده است که با هوشیاری خود ایشان خنثی شده است. از این رو ما جوامع ایرانیان مقیم کشورهای مختلف اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و آسیا به آن مقام و نهاد محترم بین المللی وظایف قانونی کمیساری عالی پناهندگان ملل متحد (UNHCR) در مقابل زندگی افراد جدا شده از سازمان مجاهدین در آلبانی را که علاوه بر فشارها و تهدیدهای اعمال شده به آنان از سوی این سازمان از هر گونه امکان دریافت حقوق و کار و اشتغال و مسافرت و دیدار با خانواده محروم می باشند یاد آور می شویم و خواستار اقدام فوری کمیساری طبق قوانین بین المللی برای تأمین حقوق اولیه زندگی و امنیت این پناهجویان ایرانی در کشور آلبانی از جمله پرداخت مستمری ماهانه برای آنان هستیم. برای حمایت از این کمپین می توانید به نشانی زیر مراجعه نمایید:

https://avaaz.org/de/community_petitions/filippo_grandi_flypwgrmd_y_nmh_jwm_ymyn_mqym_khrj_z_khshwrbryst_mhtrm_khmysryy_ly_pnhndgn_mll_mthd_/share/?new&jiBi eupb

ازدواج و تشکیل خانواده را ندارند. این فشارها و نیز اختلافات موجب شد تا کنون صدها نفر در آلبانی از این سازمان جدا شده و روی به زندگی فردی مستقل بیاورند که از آن میان عدۀ زیادی به کشورهای دیگر رفتند ولی هنوز تعدادی از جدانشدگان در آلبانی هستند که از هیچگونه حقوق و مستمری و امکانات مالی زندگی و کاری یک پناهجو برخوردار نیستند زیرا هم کمیساری و هم دولت آلبانی و هم سازمان مجاهدین از تأمین ابتدائی ترین حقوق آنها شانه خالی کرده اند و از آنجا که دولت آلبانی بنا به خواست سازمان مجاهدین ورود خانواده های ایرانی به این کشور را ممنوع کرده امکان کمک گرفتن مادی و عاطفی و روحی این افراد از خانواده هایشان نیز از آنان سلب شده است. ضمن تعطیلی دفتر کمیساری در این کشور در راستای همین توطئه سازمان مجاهدین، پلیس آلبانی تمام حقوق و مزایای آنان را که رسماً در این کشور پناهجو بوده از آنان سلب کرده و حتی یکی از آنان یعنی آقای احسان بیدی را که کارت پناهندگی سیاسی کمیساری را دارد بدون هیچ دلیل و مدرکی تنها به علت تهمت های واهی و دشمنانه سازمان مجاهدین از زندگی آزاد در جامعه محروم و به کمپ مسدود شده منتقل کرده است و حتی در صدد

گزارشی از همایش تشکل مادران قربانیان فراموش شده در خرم آباد تأکید بر تلاش خانواده های اسیران فرقه رجوی برای رهایی فرزندان خود



وضعیت سیاسی فرقه رجوی در آلبانی و در عرصه بین المللی پرداخت و سپس آخرین اخبار و احوال فرزندان خانواده های لرستانی را برای مادران توضیح داد و به نمونه ترفند های فرقه رجوی برای ممانعت اسیران فرقه از جداسدن و ارتباط با خانواده خود، زد و بند های سیاسی با مسئولین آمریکایی و کمیساریای عالی پناهندگان و ارگانهای بین المللی را به روشنی توضیح داد و در عین حال روش ها و اسلوب های موثر در تلاش خانواده ها و همکاری آنان با انجمن نجات برای رهایی فرزندانشان را در اختیار آنان گذاشت و تصمیم های مشخص و مشترکی برای فشار حداکثری خانواده ها بر فرقه رجوی برای آزادی و رهایی فرزندانشان اتخاذ گردید. مادران حاضر در جلسه هر کدام به طور جداگانه طی مصاحبه ای برای فرزندان خود پیام دادند و از مسئولین برای رهایی آنان استمداد طلب نمودند. قطعهنامه پایانی توسط یک نفر از حضار قرائت و به امضای همگی رسید، خانواده ها بر ایستادگی و ارتباط هرچه فعالتر با انجمن نجات استان و ادامه فعالیت برای رهایی فرزندان گرفتار خود تأکید نموده و پافشاری نمودند.

مادران و فعالیت هایی که تا کنون در راستای نیل به اهداف انجمن مادران انجام شده و مسیر پیش رو را برای حاضرین تشریح نمود. وی همچنین در خصوص ماهیت ضد انسانی و ضد ایرانی فرقه رجوی و کینه سران تشکیلات از خانواده ها توضیحات مبسوطی ارائه نمود و به مصداقهای بارز آن در زمان تجمع مادران در مقابل پادگان اشرف استناد نمود، مادران به دلیل حس مشترکشان با خانم عبدالهی و آشنایی آنها در فعالیت های مشترک در عراق، مقابل پادگان اشرف برای رهایی فرزندانشان، با دل و جان به سخنان وی گوش می دادند. در پایان صحبت های خانم عبدالهی، آخرین تصاویر در دسترس فرزندانشان روی پرده ویدئو پروژکتور به نمایش در آمد که اکثراً بعد از دهها سال برای اولین بار تصاویر فرزندان خود را می دیدند. پس از وی آقای بخشعلی علیزاده عضو جداشده و از اعضای انجمن تهران که تجربه زندگی در آلبانی و ترفند ها و حيله و نیرنگ های سران فرقه رجوی علیه نیروهای دربند را دارد، سخنانش را آغاز نمود و با آرامش و محبتی از جنس خانواده با آنان گفتگو نمود. وی ابتدا به بررسی و تحلیل آخرین

انجمن نجات مرکز لرستان گزارش کامل همایش تشکل مادران در این مرکز را منتشر کرد. به گزارش فراق، این همایش با حضور خانواده های عضو انجمن نجات در تاریخ ۲۵ دی ماه در خرم آباد برگزار گردید.

ثریا عبدالهی مسؤول تشکل مادران، بخشعلی علیزاده از مهمانان و مدعوین جلسه، مسؤول و اعضای انجمن استان و جمعی از مادران و خواهران و سایر اعضای خانواده قربانیان فرقه در این جلسه حاضر بودند.

جلسه با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد و بعد از خوش آمد گویی و صحبت های آغازین عضو انجمن نجات استان، خانم عبدالهی که خود یک مادر دلسوخته می باشد و سالیان متمادی در فراق فرزند دلبندهش نشسته است، به سخنرانی پرداخت. سخنان سرشار از احساس و عاطفه ایشان از درد مشترک مادران حاضر در جلسه را دگرگون ساخت. مادران لرستانی در جمعی صمیمی به صورت جمعی می گریستند و برخی به رسم سنتی با صدای بلند مویه سر می دادند و با تصاویر فرزندانشان صحبت می کردند. خانم عبدالهی ضرورت تشکیل تشکل

خروج ممنوع

دکتر نواب محمدی
انجمن نجات استان اردبیل

فرقه‌ها تلاش برای جذب و تسهیل ورود افراد به فرقه با بهانه های خوش آب و رنگ و رؤیافروشی (گله با وعده های مطلقا دروغ با ترسیم بهشتی دنیوی) و دشواری خروج اعضا از جهنم مخوفی که برایشان ساخته می شود. مساله ای که گله هزینه های گزافی معادل از دست دادن جان یا آزادی و حتی اعتبار و آبروی اعضا را دربردارد.

متأسفانه در مورد وضعیت اعضای فرقه رجوی شاهد همکاری کامل دولت آلبانی با سران فرقه و حتی کوتاهی یا بی اعتنائی نهادهای بین المللی ذیربط بویژه کمیساریای عالی پناهندگان هستیم که روند خروج یا جدایی اعضا را بسیار دشوار گاه به قیمت جان یا حبس و شکنجه شدید ساخته است. نکته تلخ و البته مضحک ماجرا آنجاست که چنین تشکیلاتی داعیه حضور در قدرت و حفظ و حراست از حقوق شهروندی دارد. کافی است طرح ده بندی رجوی را بخوانی و از سویی خاطرات و سرگذشت اعضای جداشده فرقه متبوعش را بررسی کنی تا حقیقت رذالت و فطرت ناپاک تشکیلات این شبه انسان برایت نمایان گردد. یکی از مهمترین اسناد مؤید نقض حقوق بشر و مظالم ناروا به اعضای خواهان جدایی یا بریده از فرقه در سالهای نه چندان دور، گزارش سال ۲۰۰۵ دیده بان حقوق بشر است که تحت عنوان شایسته و به جای «خروج ممنوع» No Exit منتشر گردید و جای کمترین تردیدی درباره نقض حقوق اعضا در رویه سازمان باقی نگذاشت. در این گزارش که با دقت و بیطرفی قابل ستایشی تنظیم گردید ۱۲ تن از اعضای جداشده فرقه که پس از جدایی نیز در اروپا اقامت گزینند (با ذکر نام و جزئیات قابل استناد) مورد مصاحبه و پرسش واقع شده اند. دیدبان حقوق بشر در گزارش مذکور وضعیت نامطلوب اعضای مخالف مواضع سازمان یا کسلی که بنحوی قصد خود برای ترک سازمان را ابراز می کردند، احراز کرده و اشاره می کند که برخی از اعضای مخالف یا خواهان جدایی از سازمان (منجمله ۵ تن از مصاحبه شوندگان) به زندان ابوغریب فرستاده می شدند. کلیه اعضای مورد مصاحبه دیدبان حقوق بشر بدرفتاری و ظلم های صورت گرفته توسط سازمان از زندان و شکنجه تا حبس های انفرادی طویل

فراق: اواخر دیماه نشست با محوریت بررسی نقض حقوق بشر در فرقه رجوی در هتللی در پاریس برگزار گردید که از آن جهت که غالب شرکت کنندگان در نشست های این چنینی عمدتا جدانشدگان یا به تعبیر بهتر رهایی یافتگان فرقه ضدسلسلی مجاهدین خلق می باشند اهمیت و جذابیتی دوچندان می یابند. طبیعتا ارائه چنین بحثهایی از سوی کسلی که به هردلیلی روزگاری را در قلعه مخوف رجوی گذرانده و با تمام وجود فضای فیزیکی و روانی موجود در اردوگاه خودکامگی و استبداد رجویها را لمس نموده اند از سویی نیز پس از رهایی از فرقه روانه کشوری ثالث گردیده (از آن روی که شائبه تاثیرگذاری یا اجبار افراد منتفی می گردد) به مراتب از قدرت نفوذ و تاثیرگذاری بالاتری برخوردار بوده و تردیدها نسبت به صحت ادعاها و انطباق ادعاها با حقایق تاریخی را از انهان می زداید. آنچه که قریب به اتفاق رهایی یافتگان به تعبیر بهتر اسرایی که ذهن و روح شان بیش از جسم شان به بند کشیده شده بر آن صحنه می گذارند دشواری خروج از فرقه برای بازگشت به یک زندگی شرافتمندانه و آزاد به دور از استثمار جسمی و ذهنی، نفرت پراکنی، توطئه و خیانت است. مرور حوادث اخیر در اردوگاه رجوی و سرنوشت تلخ افرادی چون ابوالفضل قنادی که بنابر شواهد و گفته های اطرافیان سالها در سودای رهایی از تشکیلات رجوی سوخت تا در نهایت جان سپرد و مشکلات و مواعی که در مسیر رهایی افرادی چون احسان بیدی تدارک دیده می شود به عنوان یک نمونه از دهها عضو سازمان که در تقلائی رهایی هستند حقیقتا ناراحت کننده و دردناک است. به ویژه با در نظر گرفتن این نکته که بهرحال خانواده های این افراد در غم فراق عزیزان خود و در اندیشه رهایی آنان و بازگشت به زندگی عادی متحمل چه مصائب روحی و روانی می گردند. دردناکتر آنجاست که بعضا خانواده ها خبر فوت نزدیکان خود را از رسانه های رجوی می شنوند. برای درک این غم جانکاه کافیست فقط لحظه ای خود را در جایگاه آن خانواده تصور کنیم. نگارنده همواره بر ماهیت فرقه گونه تشکیلات رجوی تاکید داشته است. از جمله ویژگیهای بارز

المدت، ایراد آسیبهای شدید جسمی و شکنجه نسبت به اعضای مخالف یا خواهان ترک سازمان را مورد تایید قرار دادند. دیده بان حقوق بشر تاکید می کند که سازمان مجاهدین خلق در خلال دهه ۱۹۹۰ مخالفان سیاسی خود را در زندانهای داخلی خود نگهداری کرده و سپس برخی از آنها را برای نگهداری در زندان ابوغریب تحویل مقامات عراقی داده اند. حتی در یک مورد یکی از اعضا بنام محمد حسین سبحانی به مدت هشت و نیم سال (از سپتامبر ۱۹۹۲ تا ژانویه ۲۰۰۱) در سلول انفرادی سازمان در کمپ اشرف زندانی بوده است. دیدبان حقوق بشر دو مورد مرگ اعضای سازمان (به نام های پرویز احمدی و قربانعلی تریلی) تحت بازجویی شدید را (به استناد شهادت شاهدان با ذکر جزئیات) تایید نمود. جالب آنکه یکی از مصاحبه شوندگان شخصی بنام یاسر عزتی بود که اقدامات ظالمانه پدر خویش حسن عزتی به عنوان بازجوی سازمان را مورد تایید قرار داد. این گزارش دیدبان حقوق بشر گرچه مربوط به حوادث و مسائل درونی فرقه رجوی تا سال ۲۰۰۵ است و تنها بخش ناچیزی از جنایات درون سازمانی نسبت به اعضا را انعکاس می دهد که در مقابل گستردگی جنایات تشکیلات رجوی طی سالهای متمادی حقیقتا ناچیز است اما از یک سو موید اظهارات اعضای جداشده فرقه رجوی در نشستها و مناسبتها مختلف است و از سوی دیگر گزارشهای متعدد از اعضای جدایی خواه سازمان و سرگذشت تلخ برخی از آنان در حال حاضر نشان می دهد که نه تنها رویه سلیق در شکنجه و حذف مخالفان درونی سازمان متوقف نشده بلکه چه بسا با شدت و حدت بیشتری نیز تلاوم یافته باشد. هر حال در سال های اخیر به لطف تکنولوژی و ابزار ارتباطی امکان رصد فعالیتهای ضدبشری فرقه رجوی و اطلاع از وضعیت اعضای مایل به جدایی از فرقه بیش از پیش مهیا گشته و در این زمینه اتخاذ تدبیر عاجل از سوی افراد و نهادهای ذیربط (و بویژه تشکل های مردم نهاد فعال در این حوزه) در انعکاس صدای جدایی خواهان و فراهم سازی زمینه های خروج امن (آنتی) که در جنایات ارتکابی فرقه نقشی نداشته اند از اسارتگاه رجوی ضرورتی دوچندان می یابد.

برده هایی که باید برای صاحب خود کار کرده و جان دهند

مجید محمدی



که نفرت جرات فکر کردن و تصمیم گیری برای خود را ندارند و به همین خاطر باید در جهنمی که رجوی برای آنان ساخته ، جان بدهند و بعد یک تعریف کشکی از مریم قجر زن سوم رجوی و دیگر هیچ . شاید برای گفتن مسائل فرقه ای نتوان همه جوانب را بیان کرد. ولی چیزی که وجود دارد با شناختی که از مناسبات فرقه ای که در دنیا هست فرقه رجوی در کاکل همه آنها قرار داشته، چرا که رجوی به مانند شیطان عمل می کند که با دروغ گفتن بزرگتر همه را افسون خود نماید ولی شاهد هستیم وقتی از مناسبات جهنمی که رجوی تروریست دایر کرده دور می شویم به ابعاد دیگری از جنایت و فریبکاری رهبری فرقه شناخت پیدا می کنیم و این نمونه کوچکی است که می توان به آن پرداخت و اگر اکنون هم مریم قجر با شارلاتان بازی سعی دارد از لابی های غربی خود برای تبلیغات استفاده کنند. در راستای همان سیستم فرقه ای است که کسی جرات ندارد سئوالی از وی نماید و باید مانند برده برای صاحبان خود کار کنند و جان بدهند.

انجمن نجات مرکز مازندران

استفاده از روش های شستشوی مغزی در صدد تغییرات کلی در اعضای اسیر برای ترویج عقاید و حفظ جایگاه خودش می نماید. نشست های مغزشویی طولانی و مستمر، بر ذهن، روح و روان افراد کار می شود تا برای شخص رجوی و اطاعت بی چون و چرا و اجرای آن و خرد کردن افراد ، تا دیگر کسی نتواند حرفی برای گفتن داشته باشد و مطیع بی چون و چرا برای رهبری فرقه باشد . در سیستم فرقه ای رجوی ابتدا همه باید وفاداری خود را نشان دهند که از دادن تعهدات بی چون و چرا، نداشتن احساسات عاطفی و کشتن آنها، نداشتن عشق و علاقه به دیگران، توهین کردن به خانواده، پرورش دادن تخم نفرت و کینه کشی علیه همدیگر و در نهایت ایزاری دست سازمان و تشکیلات برای پیشبرد اهداف خیانت کارانه رجوی .

در سیستم فرقه ای، همه چیز برای رهبری آن می باشد . همه عشق و علاقه باید در چهارچوب تشکیلات باشد و کینه و نفرت علیه خانواده و دیگران پرورش می یابد. این سیستم فرقه ای رجوی است که هنوز شاهد هستیم

پدیده فرقه و فرقه گرایی در کشورهای اروپایی و آمریکایی مانند ویروسی بسیار خطرناک بر ضد سلامت و امنیت جامعه شناخته شده که دولت ها و متخصصین برای رفع این معضل و نجات قربانیان فرقه گرایی، متحد و به جد وارد عمل گردیده اند. آنها در این زمینه به پیشرفت های قابل توجهی دست پیدا نموده اند که در کشور ما با بی تفاوتی و بی توجهی از کنارش عبور می شود . فرقه ی دست ساز مسعود رجوی از یک سیستم بسیار پیچیده و خطرناک برخوردار است که به سختی برای مردم عادی قابل لمس و شناخت می باشد، چون با مسایل روز مطابقت ندارد.

رجوی تروریست در فرقه اش دارای قدرت و دیکتاتوری مطلق است. شستشوی مغزی اعضای اسیر در فرقه خود را با برگزاری نشستهای طولانی، خردکردن عقاید شخصی، سخنرانی های بدون وقفه، نشستهایی که عمدتاً در طول شب برگزار می شود و تا طلوع صبح به طول می انجامد. رجوی فریبکار رهبر عقیدتی فرقه اندیشه و ایدئولوژی خود را بی نظیر و فوق درک و فهم دیگران می داند و با

خانواده های اعضای گرفتار هرگونه معامله بر سر جدانشده های آلبانی را محکوم می کنند

ماجرای ملاقات خانم کروئه مازی هرچه باشد برای دولت مردان آلبانی و به طور خاص خانواده آقای رئیس جمهور، مایه سرشکستگی است که چشم بر واقعیت های ذاتی این فرقه بد نام بسته و از سرنوشت برخی شیوخ عراق که در طول سه دهه حضور در آن کشور که با پول های اهدایی رجوی بازیچه دست آنها شده بودند عبرت نگرفته اند



ماجرای ملاقات خانم کروئه مازی هرچه باشد برای دولت مردان آلبانی و به طور خاص خانواده آقای رئیس جمهور، مایه سرشکستگی است که چشم بر واقعیت های ذاتی این فرقه بد نام بسته و از سرنوشت برخی شیوخ عراق که در طول سه دهه حضور در آن کشور که با پول های اهدایی رجوی بازیچه دست آنها شده بودند عبرت نگرفته اند. جامعه خانواده های جدا شده و خانواده های اعضای گرفتار در فرقه رجوی هرگونه معامله برسر جدانشدگان حاضر در کشور آلبانی را به شدت محکوم و اعلام می دارد جهان نظاره گر اعمال آنها خواهد بود. انجمن نجات مرکز زنجان

اساس معاملات کثیف سیاسی و پشت پرده استوار گردیده را کنار بگذاریم. می توان دریافت، علاقه وافر خاندان آقای متا برای دیدارهای پی در پی از مقر فرقه رجوی صرفاً برای محض رضای خدا نبوده و احتمالاً پشت این ادا بازیچه مسائل دیگری درحال وقوع است و به قول ایرانیها «بی مایه فطیر است.» شایان ذکر است پس از دیدار رئیس جمهور آلبانی از مقر تروریست ها با خواسته مریم رجوی، احسان بیدی یکی از جدانشدگان از آن فرقه توسط پلیس آلبانی با زیر پا گذاشتن کنوانسیون های سازمان ملل، دستگیر و روانه زندان شد.

چندی از دیدار ایلیر متا رئیس جمهور آلبانی از مقر موسوم به اشرف ۳ نگذشته که همسر ایشان مونیکا کروئه مازی، و رئیس جنبش سوسیالیست ها چهارشنبه نهم بهمن (۲۹ ژانویه ۲۰۲۰) در مقر تروریستی رجوی ها در آلبانی حاضر و با مریم رجوی دیدار کرد. به ظاهر میهمان نوازی مریم رجوی به مذاق خانواده رئیس جمهور آلبانی خوش آمده، شاید هم پشت پرده خبرهایی است که از دید عموم مخفی مانده و معلوم نیست سر کرده فرقه چه فداکاری از جیب مبارک کرده که پای طایفه آقای رئیس جمهور از قلعه مانز قطع نمی شود؟ اگر تعارفات سیاسی در دنیای کنونی که بر



زندانیان آشویتس هیتلر

شکجه گاه مانفتن

نگاهی به شباهت های زندان «آشوویتس» هیتلر با اسارتگاه رجوی

بخشعلی علیزاده - اختصاصی فراق

عکس های هوایی دیده ام ولی از اسمی که برایش انتخاب کرده اند، «اشرف ۳» کاملاً معلوم است که دقیقاً مثل همان اشرف در عراق درست کرده اند، با همان خصلت ها و خصوصیات ضد انسانی که اشرف عراق داشت. همین که آن زمان اجازه داده نمی شد که انسانها با خانواده هایشان و به دنبال آن با دنیای بیرونشان ارتباط برقرار کنند، می شود فهمید که کمپ اشرف زندان و اردوگاه های مرگ و کار اجباری «آشوویتس» رجوی بود. ما در آن زمان به کمپ اشرف می گفتیم «لعنت آباد».

مگر در اردوگاه مرگ «آشوویتس» هیتلری چکار می کردند؟ در قدم اول به اسارت در آوردن فکری و جسمی و ذهنی و بعد قطع هر گونه ارتباط مادی فرد با دنیای بیرون بود. اجازه نمی دادند که کمترین ارتباطی با انسان های دیگر و پیرامونش برقرار کند یعنی منزوی کردن افراد به شدیدترین شکل ممکن. قطع از همه احساسات و عواطف انسانی و در نهایت مرگی به شکل خشونت بار و ضد انسانی هم اکنون نیز انسان ها را در کمپ موسوم به اشرف ۳ می کشند و به اسام بیماری و خفگی در آب و غیره حذف فیزیکی می نمایند. دوستان عزیز به خاطر دنیای ارتباطات و فناوری های موجود خیلی از آن جنایت ها به آن شکل انجام نمی شود، اتفاقاً از پیچیدگی خاصی برخوردار شده اند و فقط نحوه انجامشان فرق کرده است بنابراین می بینید که انتخاب این اسم برای کمپ ها و یا همان اردوگاه های اجباری کار و مرگ رجوی بی سبب نبوده و بسیار شباهت دارند. بنابراین با عزمی دو چندان و اراده ای فولادین باید این کمپ ها و اردوگاه های مرگ را از هم پاشاند، برچید و اسرای در زنجیر فکری و ذهنی و جسمی را نجات داد.

خلال سال های جنگ جهانی دوم ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ به دست قوای اس.اس. آلمان نازی به فرماندهی سرهنگ رودلف هوس و همکارانش (دکتر یوزف منگله و تنی چند) در این اردوگاه کشته شده اند که بالغ بر ۹۰ درصد آن ها را یهودیان تبعیدی و مابقی را زندانیان سیاسی لهستانی - اسرای جنگی شوروی - کولی های اروپایی و سایر اسرای جنگی متفقین تشکیل می دادند.

این اردوگاه در سال ۱۹۴۵ میلادی به وسیله نیروهای ارتش سرخ شوروی به فرماندهی ژنرال ژوکوف از دست قوای آلمان نازی آزاد گردید. امروزه مجتمع سه گانه اردوگاه آشویتس به صورت شاهد تاریخ جهت بازدید جهانگردان از سراسر جهان درآمده است. در سال ۱۹۷۹ میلادی، سازمان یونسکو (سازمان میراث فرهنگی جهانی) این اردوگاه را به عنوان «ماد بی رحمی انسانی نسبت به هم نوعان خود در قرن بیستم» در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار داد. سالانه هفتصد هزار نفر از این اردوگاه مرگ و کار اجباری بازدید به عمل می آورند. تا سال ۱۹۹۰ میلادی تابلویی در ورودی اردوگاه آشویتس توسط دولت لهستان نصب شده بود که شمار کشته شدگان در این اردوگاه را چهار میلیون نفر عنوان می کرد. در این سال، تابلوی جدیدی در محل گذاشته شد که تعداد کشته شدگان را عدد دقیق تر یک و نیم میلیون نفر معرفی کرد.

بله دوستان عزیز، همانطور که می بینید شباهت زیادی وجود دارد، به ویژه در زمانی که فرقه رجوی در عراق و در کمپ های موسوم به اشرف و لیبرتی مستقر بود.

من کمپ موسوم به «مانتر» را که اکنون فرقه رجوی در آن ساکن می باشد را فقط در حد

بنده از واژه زندان «آشوویتس» به کرات در نوشته هایم استفاده کرده و در یک شبیه سازی گفته ام که کمپ ها و اسارتگاه رجوی دست کمی از زندان آشویتس هیتلر ندارند، زیرا تداعی کننده خاطرات بسیار وحشتناکی می باشد که بشریت در تاریخ به خود دیده است.

در زیر مروری می کنیم بر زندان واقعی «آشوویتس» (آشوویتز) تا ببینیم که این اردوگاه کار اجباری آلمان نازی واقعا شباهت دارد با زندان های رجوی یا که نه، من دارم اغراق می کنم و بهتان می زنم.

نگاهی اجمالی به تاریخچه اردوگاه های کار اجباری «آشوویتس» که بعداً به اردوگاه های مرگ هیتلری تبدیل گشت:

بزرگترین و مجهزترین اردوگاه کار اجباری آلمان نازی بود که در طول اشغال لهستان توسط نازی ها ساخته و تجهیز شده بود.

«آشوویتس» شامل سه اردوگاه اصلی بود:

اتاق های گاز و کوره های آدم سوزی که برای اولین بار در این اردوگاه به طور گسترده راه اندازی شدند. این مجموعه اردوگاهها تقریباً در ۳۷ مایلی غرب شهر کراکوف لهستان، نزدیک به مرز آلمان - لهستان (پیش از جنگ) در سیلسیا قرار دارند. منطقی است که آلمان نازی پس از تهاجم و غلبه بر لهستان در ۱۹۳۹ میلادی به صورت موقت آن را ضمیمه خاک خود نموده بود.

مقامات اس. اس، سه اردوگاه اصلی شرح داده شده را نزدیک به شهر لهستانی اوشوین چیم بنا کردند:

آشوویتس ۱ در ماه مه ۱۹۴۲ میلادی

آشوویتس ۲ در اوایل ۱۹۴۲ میلادی

آشوویتس ۳ در اکتبر ۱۹۴۲

در مجموع نزدیک به چهار میلیون نفر در

مسخره بازاری به نام «رادیو مجاهد» پیام به آب حوض خالی کن: بیکاری همه جا هست اینقدر دل نزن

انجمن نجات استان اردبیل



مدتی است یکی از شوهای مسخره فرقه رجوی در برنامه رادیویی موسوم به «رادیو مجاهد» پخش می شود.

این رسانه مسخره رجوی به طور ۲۴ ساعته در حال مغز شویی و خالی بندی از نوع رجویسم است که اکثریت قریب به اتفاق مردم خوشبختانه با کارکرد های خطرناک آن آشنایی دارند و دوری هم می جویند.

در این ایام که مقداری فضای داخل ایران به خاطر حوادثی که اتفاق افتاد متشنج شد این رسانه رجوی در حال فرستادن پیام های مسخره ای بود که اگر می خواهید مقداری بخندید دقایقی به آن گوش بدهید تا با شنیدن کد های ارسالی به فریب خوردگان به ظاهر فعال فرقه حساسی بخندید. آن طور که پیداست کانون های موهوم شورشی رجوی در داخل کشور بدون این کد ها دست از پا خطا نمی کنند و لحظه مره منتظر شنیدن پیام های ارسالی از طریق رادیو مجاهد هستند. به برخی از کدهایی که آنان ارسال می کنند توجه کنید:

(پیام ها عین همان پیام هایی است که ارسال می شود، اگر تردید داشتید خودتان گوش بدهید تا حساب کار دستتان بیاید)
پیام به جغد شب: امروز کاری نکن تا آفتاب غروب کنه
پیام به پیرزن خفه کن: شما در این ایام

آباد است. بیچاره ها بعد از دستگیری تازه می فهمند که چه بلایی سرشان آمده و دیگر کسی نیست که کمک شان کند. عناصر فرقه هم از آن طرف تکذیب می کنند که دستگیر شدگان ربطی به فرقه ندارند و کانون های شورشی در حال شورش هستند و آزادانه برای خودشان در خیابان ها جولان می دهند! این گونه است که حتی این وابستگان به آژانس های امنیتی خارجی مثل «سی. آی. ای» و یا «ام. آی. ۶» و یا سایر نهادهای امنیتی خارجی مسئولیت به گردن نمی گیرند و شانه خالی می کنند. بنابر این حتما به دوستانتان و آشنایانتان و خانواده هایی که در اطراف تان است هوشیاری بدهید تا گول این مدل فریب ها را نخورند و فکر نکنند که خبری است و بعد از دستگیر دیگر پشیمانی سودی ندارد. باز تاکید دارم اگر قصد خندیدن دارید به رادیو موسوم به «رادیو مجاهد» گوش بدهید. هر چند که هر شادی که از آنان برسد هم دست کمی از سم مار خطرناک ندارد.

بیشتر باید مراقب باشید
پیام به آب حوض خالی کن: بیکاری همه جا هست اینقدر دل نزن
پیام به شیشه شور ماشین: سر چهارراه اگر دیدی اقدام کن
پیام به گربه شور: فردا شما یک دیدار خواهی داشت با گربه قصاب محله!
پیام به کفتر باز: شما از رفتن به بالای پشت بام تا بعد خودداری کنید
پیام به بقالی سر کوچه: داداش از بس گرون می دی دیگه ازت نمی خرن
پیام به رضا موتوری: انگاری نمی دونی بنزین گرون شده

بله دوستان، پیام از این قبیل زیاد هست. اگر تشابهی احساس کردید تقصیر بنده نیست، جنس پیام ها این گونه است. بیشتر منظورم این است که با این گونه پیام ارسال کردن ها، فرقه رجوی تلاش دارد جوان ها را از راه به در نمایند و به وادی بکشاند که سر انجامش ناکجا

مادری که خواسته ای جز یک تماس با پسر خود نداشت، رفت

در اولین ساعات روز دوشنبه ۷ بهمن ۹۸، خانم زهرا کزازی، مادر مصطفی (میلاد) بهشتی اسیر در فرقه رجوی در آلبانی، چشم از جهان فروبست. خانم کزازی به جمع مادران چشم انتظار پیوست که حسرت حتی یک تماس از جانب فرزندشان بر دلشان باقی ماند. مادر بهشتی ها بعد از قربانی شدن پسر بزرگش مرتضی بهشتی، خواسته ای جز یک تماس از جانب پسر دومش مصطفی نداشت که رجوی آن را هم از وی دریغ نمود. عاطفه نادعلیان

ثریا عبداللهی، مادر یکی از اسیران فرقه رجوی خطاب به مسئول جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا:

مشکل خانواده های اسیران فرقه رجوی را با دولت آلبانی حل نمائید

جناب آقای «خوزپ بورل» مسئول محترم سیاست خارجی اتحادیه اروپا بنده مادری از هزاران مادر هستم که قربانیان فراموش شده فرقه رجوی شدیم. فرزندان ما سالهاست با انواع روش های مغزشویی در فرقه تروریستی رجوی موسوم به «مجاهدین خلق» گرفتار شدند. بارها همراه سایر مادران چشم انتظار به مقر فرقه رجوی در کشور عراق مراجعه کردیم تا با فرزندان خود دیداری داشته باشیم اما مسئولان این فرقه با سنگ و گلوله از ما استقبال کردند. خانواده های اسیران فرقه رجوی سالهاست با مقام های بین المللی و سازمان های حقوق بشری در این رابط مکاتبه دارند اما متأسفانه تا کنونی پاسخی شایسته به کمترین حقوق انسانی آنها داده نشده است.

اسیران گرفتار در فرقه رجوی حتی اجازه یک تماس ساده تلفنی را هم ندارند. خانواده ها فقط می خواهند از وضعیت عزیزان خود با خبر شوند، لذا از آن مقام محترم خواهشمند است مشکل ما را با دولت آلبانی مطرح نموده تا راهی برای دیدار و یا یک تماس تلفنی بی واسطه فراهم گردد.

اسامی خانواده های اسیران فرقه رجوی در استان اردبیل که متن این نامه را تایید کردند:

قلی پور، ارشادی، دولت پناه، عبدلی، یوسفی سادات، پرورش، مهدی زاده، صحبت زاده، مجردی، ناظری، عبداللهی، مستانه، سیلیمان جاه، نصرتی، اسدزاده، ربیعی، صمدی، عزیززاده، بشارتی، ارسی، علیزاده نیاری، نصیری، نظری، صباحتی، شعبانی، محمدی

حسین رضایی، برادر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی:

کار سرکرده فرقه رجوی دروغ گفتن و فریب دادن است

برادر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی گفت: سرکرده فرقه رجوی کارش دروغ گفتن و فریب دادن است.



از زمانی که از عراق به آلبانی منتقل شده ای به شما دسترسی ندارم. انتظار داشتم طی این مدت تماسی با ما داشته باشی، لاقبل با مادرت تماسی می گرفتی، خیلی نگران شماس و دلش برای شما تنگ شده است. خانواده ات کماکان منتظر شما هستند، بخصوص مادرت، منتظرت هستیم.

آقای جاوید رحمان از فرقه تروریستی رجوی در کشور آلبانی بازدید نمائید

جمعی از خانواده های اسیران فرقه رجوی در استان مرکزی به گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل نامه نوشتند.

به گزارش فراق به نقل از انجمن نجات مرکز اراک، خانواده های استان مرکزی در این نامه، بازدید جاوید رحمان از درون فرقه تروریستی رجوی در آلبانی را خواستار شدند.

متن این نامه به شرح زیر است: آقای جاوید رحمان شما واقعا گزارشگر سازمان ملل هستید؟ گزارشگر کدام حقوق بشر؟ شما فقط در رابطه با ایران و مردم ایران دست به قلم می شوید و سخنرانی های کشفی در این رابطه می

کنید. چرا از سازمان تروریستی مجاهدین در کشور آلبانی بازدید به عمل نمی آورید و نقض حقوق بشر را در این سازمان تروریستی ببینید؟ ببینید که فرزندان ما به چه روزی افتاده اند. درخواستی که از شما داریم این است که از درون سازمان تروریستی مجاهدین در آلبانی بازدید به عمل بیاورید و از آنها بخواهید بصورت جداگانه و به دور از سران سازمان با فرزندان ما ملاقات کنید. آنوقت خواهید دید که فرزندان ما خواهان ماندن در سازمان تروریستی مجاهدین نیستند. فرزندان ما خسته شدند و می خواهند آزاد زندگی کنند هر چند که دیگر عمری برای آنها باقی نمانده است.

پدری مهربان از جمع خانواده های اسیران فرقه رجوی پر کشید

بازهم پدری مهربان از میان خانواده های اسیران فرقه رجوی پر کشید. به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، باخبر شدیم «محمدعلی بهارلو» پدری رنج دیده، با چشمانی باز و در انتظار دیدار فرزند، چشم از این جهان خاکی فرو بست. به گزارش انجمن نجات اصفهان «حسنعلی بهارلو» فرزند وی، ۳۶ سال می باشد که اسیر فرقه جنایتکار رجوی است. پرواز تلخ این پدر را به خانواده محترم بهارلو و تمامی بازماندگان تسلیت عرض می نمائیم.

جمعی از خانواده های اسیران فرقه رجوی در استان قزوین خطاب به مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا:

خانواده های اسیران فرقه رجوی خواستار

اجرای شدن ابتدایی ترین حقوق بشر هستند ما خانواده های اسیران در بند گروه موسوم به مجاهدین سالهاست که به واسطه اقدامات محدود کننده و ضد انسانی سران فرقه رجوی از ملاقات آزادانه و هرگونه تماس با عزیزان در بند مان محروم مانده ایم. ما از شما به عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که حامی حقوق بشر هستید خواستار ابتدایی ترین حقوق انسانی که حق دیدار با فرزند و یا عزیز در بندش می باشد را داریم و تاکنون از ملاقات با فرزندان خود محروم مانده ایم بنابراین ما همگی نگران وضعیت فرزندانمان می باشیم.



مادری که خواسته ای جز یک دیدار نداشت

در اولین ساعات روز دوشنبه ۷ بهمن ۹۸، خانم زهرا کزازی، مادر مصطفی (میلاذ) بهشتی اسیر در فرقه رجوی در آلبانی، چشم از جهان فرو بست. خانم کزازی به جمع مادران چشم انتظاری پیوست که حسرت حتی یک تماس از جانب فرزندشان بر دلشان باقی ماند. رجوی ملعون بابت تمام ناکامی ها و شکست هایش از خانواده های دردمند و رنج کشیده اعضا انتقام می گیرد و آنان را، با ممنوع کردن ارتباط فرزندان گرفتارشان، زجر می دهد. / عاطفه نادعلیان

www.feraghnews.ir

فعال ترین و پرمخاطب ترین گروه رسانه ای در حوزه خانواده های اسیران فرقه رجوی